

سبک‌شناسی سروده‌های سید حسن غزنوی

پیمان معمارزاده*، صدیقه دانشور

گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.

آذر ۱۴۰۲، دوره ۱۶، شماره پیاپی ۹۱، صص ۲۱۸-۲۹۱

DOI: 10.22034/bahareadab.2023.16.7149

نشریه علمی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی

(بهار ادب)

چکیده:

زمینه و هدف: یکی از مهمترین زمینه‌هایی که در سبک مطرح میشود، مسئله ساختار و شاخصه‌های زبانی، ادبی و فکری یک اثر است. سید حسن غزنوی از شاعران قرن ششم هجری است. هدف اصلی نگارندگان این پژوهش، بررسی ویژگیها و شگردهای سبکی این شاعر در سه سطح زبانی، ادبی و فکری است تا مهمترین شاخصه‌های سبکی این شاعر مورد توجه قرار گیرد. **روش مطالعه:** اطلاعات مربوط به این پژوهش با استفاده از شیوه کتابخانه‌ای و روش توصیفی-تحلیلی فراهم آمده است، ضمن اینکه به جنبه آماری توجه شده و جدول بسامدی ترسیم شده است.

یافته‌ها: زبان شعر سید حسن غزنوی ساده، بدون ابهام و پیچیدگی است و اوزان و قوافی و ردیفهای خوش‌آهنگ به کار برده است. در سطح ادبی میتوان به مهارت شاعر در کاربرد انواع صور خیال بویژه تشبیه و تناسب اشاره کرد. در سطح فکری نیز میتوان گرایش شاعر به عشق، مدح، حمد خداوند و ستایش اولیای دین، اندرز، عرفان، و بازتاب مسائل اجتماعی و تاریخی را مشاهده نمود.

نتیجه‌گیری: نتیجه بررسی سبک دیوان حسن غزنوی بیانگر این است که شاعر در سطوح سه‌گانه زبانی، ادبی و فکری بسیار موفق عمل نموده است. بیش از نیمی از دیوان سید حسن غزنوی به قصیده اختصاص یافته است؛ بنابراین میتوان وی را شاعری قصیده‌سرا به شمار آورد.

تاریخ دریافت: ۲۵ آذر ۱۴۰۱

تاریخ داوری: ۲۶ دی ۱۴۰۱

تاریخ اصلاح: ۱۲ بهمن ۱۴۰۱

تاریخ پذیرش: ۲۷ اسفند ۱۴۰۱

کلمات کلیدی:

سبک‌شناسی، سید حسن غزنوی، سطح زبانی، سطح ادبی، سطح فکری.

* نویسنده مسئول:

✉ p.memarzadeh@pnu.ac.ir

☎ (۹۸۲۱+)



ORIGINAL RESEARCH ARTICLE

The stylistics of Seyyed Hassan Ghaznavi's poems

P. Memarzadeh*, S. Daneshvar

Department of Persian Language and Literature, Payam Noor University, Tehran, Iran.

ARTICLE INFO

Article History:

Received: 16 December 2022

Reviewed: 16 January 2023

Revised: 01 February 2023

Accepted: 18 March 2023

KEYWORDS

stylistics, Seyyed Hassan Ghaznavi, language features, literary level, intellectual features.

*Corresponding Author

✉ p.memarzadeh@pnu.ac.ir

☎ (+98)

ABSTRACT




BACKGROUND AND OBJECTIVES: One of the most important contexts in style is the issue of structure and linguistic, literary and intellectual characteristics of a work. Seyed Hasan Ghaznavi is one of the poets of the 6th century. The main goal of the authors of this research is to investigate the stylistic features and techniques of this poet in three linguistic, literary and intellectual levels so that the most important stylistic features of this poet are taken into consideration.

METHODOLOGY: The information related to this research has been provided using the library method and the descriptive-analytical method, while paying attention to the statistical aspect and the frequency table has been drawn.

FINDINGS: The findings show that at the linguistic level, Seyyed Hassan Ghaznavi's language is simple, without ambiguity and complexity, and he used weights, rhymes, and melodious lines. At the literary level, we can point to the poet's skill in using all kinds of images, especially similes, and all kinds of literary techniques, especially proportion. At the intellectual level, one can observe the poet's tendency towards love, praise, praise of God and praise of religious saints, advice, mysticism, and reflection of social and historical issues.

CONCLUSION: The result of examining the style of Hasan Ghaznavi's divan shows that the poet has been very successful in the three levels of language, literature and thought. More than half of Seyyed Hasan Ghaznavi's divan is devoted to odes; Therefore, he can be considered an ode poet.

DOI: [10.22034/bahareadab.2023.16.7149](https://doi.org/10.22034/bahareadab.2023.16.7149)

NUMBER OF REFERENCES	NUMBER OF TABLES	NUMBER OF FIGURES
 27	 8	 2

مقدمه

حسن غزنوی از شاعران اواسط قرن ششم هجری است که اشعار زیبایی سروده است. «السید الامام، ولی الدین، ابوعلی، الحسن بن محمد بن علی بن الحسینی العلوی» (بیهقی، ۱۳۱۷: ۲۳۲)، متخلص به حسن و مشهور به اشرف بوده است. «لباب الانساب» بیهقی، قدیمترین اثری است که در آن از سید حسن غزنوی یاد شده است (مدرس رضوی، ۱۳۶۲: ۳۵۷). وی بسیاری از سلاطین، وزرا و رجال دربار غزنوی و سلجوقی و عده‌ای از فاضلان و عالمان و حتی شعرای عصر خود را مدح نموده است. بخاطر پاک‌ی اخلاق، زهد و تقوی و عزت نفس، با آنکه با سلاطین و بزرگان عصر خود معاشرت داشته، همه تذکره‌نویسانی که از وی نام برده‌اند، او را به اخلاق حمیده ستوده‌اند و برخی هم نامش را در جمله عرفا ذکر کرده‌اند. سید حسن غزنوی از فاضلان، حکیمان، خطیبان و دانشمندان زمان خود به شمار می‌آمده و در همه علوم متداول زمان، بویژه در فنون خاصه یعنی فلسفه و حکمت، تبحر داشته است و در اشعارش به اصطلاحات فلسفه، حکمت، نجوم، و هیئت فراوان اشاره شده است (همان: ۳۹۶). بنا به تحقیقات مدرس رضوی، در مقدمه دیوان، سال وفات شاعر بین سالهای ۵۵۵ تا ۵۵۷ هجری قمری بوده و در قصبه آزادوار بر اثر مرض فجأة وفات یافت و تربتش همانجاست (همان: ۳۸۷).

دیوان شاعر شامل قصاید، غزلیات، رباعیات و ترجیعات است و به انواع موضوعات از مدح و رثا، غزل و وعظ توجه نموده است. او سبک شاعران برجسته‌ای مانند مسعود سعد سلمان، معزی نیشابوری و سنایی غزنوی را تتبع کرده است (دهخدا، ۱۳۳۵: ذیل واژه). حسن غزنوی سبک استوار ویژه خود را، که بعد از او در میان شاعران نیمه دوم قرن ششم رایج بوده است، به کمال رسانیده (معین، ۱۳۶۴، ج ۶). قصاید وی غالباً استوار، سنجیده و پر از ترکیبات تازه و گاه یادآور شیوه مسعود سعد سلمان و عنصری بلخی است (زرین کوب، ۱۳۸۵: ۳۰۲) و سادگی و روانی از مختصات بارز سخن اوست (ریپکا، ۱۳۸۲: ۳۱۱). از آنجا که هر شاعری سبک و زبان خاصی برای اظهار عواطف، احساسات و افکار خود دارد، این پژوهش به بررسی سبک شعر سید حسن غزنوی اختصاص یافته است.

سابقه پژوهش

پژوهش در زمینه اشعار غزنوی اندک است (تنها سه مقاله) که معرفی میشوند. مقاله «تحلیلی بر باورهای خرافی در دیوان اشعار سید حسن غزنوی» از فریدی بیله‌سوار و شیخ‌لووند (۱۳۹۴) که نویسندگان با مطالعه و تحلیل آن بخش از باورها و اعتقادات خرافی مردم که در دیوان حسن غزنوی انعکاس یافتند، دریافته‌اند که بسیاری از این باورها بخاطر کج‌اندیشیها و تصورات غلط و اشتباه از وقایع پدید آمده است. مقاله «تأثیر عادت‌واره‌های اجتماعی در شکلگیری تشبیهات سید حسن غزنوی» از قربانی و خضری (۱۳۹۱)، که تشبیهات این شاعر را مورد بررسی قرار داده و به این نتیجه رسیده‌اند که تفکر جمعی و عادت‌واره‌های درباری همچون ساده‌گویی و مدح، ذهن و زبان این شاعر را احاطه نموده است. مقاله «نسخه‌ای معتبر از دیوان سیدحسن غزنوی» از بگ‌جانی (۱۳۹۳) که در این مقاله، نسخه خطی شماره ۲۲۲۷ در کتابخانه ملی ایران، که در سال ۱۲۵۲ق توسط کاتبی ناشناس کتابت شده است، بعنوان یکی از بهترین نسخ دیوان شاعر معرفی شده و امتیازات آن را برشمرده‌اند.

پژوهش حاضر از آن جهت که زبان شعری حسن غزنوی را مورد بررسی قرار میدهد، پژوهشی نو به شمار می‌آید.

روش مطالعه

روش گردآوری اطلاعات در این مقاله کتابخانه‌ای و با استفاده از ابزار فیشبرداری است که در پایان، یافته‌ها به شیوه توصیفی-تحلیلی بررسی میشوند و جدول بسامدی و نمودار فراوانی نیز ترسیم میگردد. جامعه آماری پژوهش در بخش زبانی کل دیوان سید حسن غزنوی و در بخش ادبی و فکری، قصاید شاعر بوده است. این دیوان به تصحیح و مقدمه مدرس رضوی در سال ۱۳۶۲ در انتشارات اساطیر به چاپ رسیده است.

بحث و بررسی

این پژوهش با در نظر گرفتن مؤلفه‌های سبکی در سه سطح کلی زبانی، ادبی و فکری، بر آن است که شاخصه‌های شعری سید حسن غزنوی را مورد بررسی قرار دهد.

سطح زبانی

یکی از سطوح مهم در سبک‌شناسی، سطح زبانی است که به دلیل گستردگی در سه زیرمجموعه آوایی، لغوی و نحوی، یعنی سبک‌شناسی آواها، سبک‌شناسی واژه‌ها، و سبک‌شناسی جمله‌ها بررسی میشود.

سبک‌شناسی آواها: سبک‌شناسی آواها یا موسیقی شعر، از عوامل مؤثر در شکلگیری ساختار شعر و تأثیرگذاری آن است؛ زیرا شعر وسیله بیان و بازتاب‌دهنده احساسات درونی شاعر است و این عواطف، از طریق موسیقی شعر بیان میشود. شفیعی کدکنی در کتاب موسیقی شعر، مجموعه عواملی را که زبان شعر را از زبان روزمره امتیاز میبخشد و از رهگذر نظام موسیقایی، سبب رستاخیز کلمات و تشخیص واژه‌ها میشود، گروه موسیقایی نامید که دامنه پهنای دارد و انواع وزن، قافیه، ردیف، جناس و... را در بر میگیرد. از نظر وی «نخستین عاملی که مایه رستاخیز کلمه‌ها در زبان شده و انسان ابتدایی را به شگفتی واداشته است، همین کاربرد موسیقی در نظام واژه‌ها بوده است» (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۹: ۹). موسیقی شعر در سه بخش موسیقی بیرونی، موسیقی کناری و موسیقی درونی قابل بررسی است که در این قسمت موسیقی شعر اشعار سید حسن غزنوی بررسی میشود.

موسیقی بیرونی: موسیقی بیرونی بررسی وزن عروضی شعر است. میتوان وزن و آهنگ را زیباترین و شاخصترین جلوه موسیقی شعر به شمار آورد. وزن از لوازمات کلام منظوم است و اعتدال میان متحرکات و سواکن کلام منظوم از مقتضیات وزن است (المعجم: ۴۷). آنچه بیش از سایر موارد توجه شاعران را به خود جلب نموده، وزن است؛ زیرا شعر بدون وزن معنا و مفهوم ندارد. به همین دلیل شاعران موفق تمام ذوق و هنر خود را برای انتخاب اوزانی که موسیقاییتر و خوش‌آهنگتر باشند، به کار میگیرند. اشعار حسن غزنوی نیز بیشتر در اوزان و قوافی و ردیفهای خوش‌آهنگ گفته شده و از مضامین تازه و نادر در مداخل خالی نیست. در اشعار وی تنوع اوزان دیده میشود و این امر به شعر وی تازگی بخشیده است. محور مورد استفاده وی در کل دیوان به ترتیب بسامد عبارتند از: هزج، مضارع، رمل، مجتث، خفیف، متقارب، منسرح، سریع و رجز.

نام بحر	هزج	مضارع	رمل	مجتث	خفیف	مقارب	منسرح	سریع	رجز	جمع کل
بسامد	۲۶۴	۶۲	۵۷	۲۶	۲۴	۶	۴	۲	۱	۴۴۶
درصد	۵۹/۲	۱۳/۹	۱۲/۷	۵/۸	۵/۳	۱/۳	۰/۹	۰/۴	۰/۲	۰/۱۰۰

جدول (۱) بسامد انواع بحر در اشعار سید حسن غزنوی

حسن غزنوی بیشتر به اشعار غنایی، شاد و طرب‌انگیز تمایل نشان داده است؛ زیرا بیشتر در بحر هزج سروده شده است. این بحر بیشتر برای سرودن اشعار غنایی و طرب‌انگیز به کار می‌رود (حسنی، ۱۳۸۳: ۲۰). مدرسی دربارهٔ این بحر می‌گوید: اعراب آوازهای خوش و فرحبخش خود را از اشعار سروده‌شده در این بحر برمیزیدند (مدرسی، ۱۳۸۴: ۳۲۳). همچنین دومین بحر پرکاربرد در اشعار غزنوی بحر مضارع است که در سرودن اشعار غنایی مورد استفاده قرار می‌گرفته است. اوزان به‌کاررفته در اشعار غزنوی از اوزان پرکاربرد است و شاعر از اوزان نامطبوع استفاده ننموده است.

ذوبحرین: شاعران توانا و خوش ذوق و از جمله حسن غزنوی برای نشان دادن مهارت و قدرت تسلط خود بر اوزان عروضی، اوزانی به کار می‌برند که قابلیت تقطیع در دو بحر را دارد. غزل شماره ۶۳، ذوبحرین سروده شده است: هم در بحر رمل سریع مسدس (فاعلاتن، فاعلاتن، فاعلن) و هم در بحر سریع مسدس مطوی مکشوف (مفتعلن، مفتعلن، فاعلن).

افزودن «ه» در پایان کلمات قافیه: از نوآوریهای شاعر میتوان به افزودن «ه» در پایان کلمات قافیه برای ایجاد وزن اشاره کرد. بعنوان مثال شاعر در قطعه هشتم (ص ۳۰۹)، بجای نگین و قرین، نگینه و قرینه به کار برده است. نارساییها و اشکالات وزنی: در اشعار غزنوی، بویژه در غزلیات، با ابیاتی مواجه می‌شویم که اشکال وزنی دارد و نارساست که به نمونه‌هایی اشاره میشود:

سوسن گواه دولت توست و خوش اینکه چرخ وه نی کره زرین بار و گواه را (ص ۲۶۲)

مصراع دوم بیت زیر از غزل شماره ۸ هم دارای اختلال وزنی است:

تا روی چون دو پیکر در روی او کشم زیرا که مان چو پروین وقت فراهمی است (ص ۲۶۶)

در بیت زیر از غزل شماره ۳۳ تعداد هجاهای به‌کاررفته در دو مصراع مساوی نیست و همین سبب اختلال در وزن شده است:

آن مه که کرد طوفی سوی شرف شتافت وان گل که رفت سالی سوی چمن رسید (ص ۲۷۹)

اشکالات وزنی اشعار سید را میتوان در خطای نسخه‌نویسان دیوان و تصرفات ناآگاهانه آنها در اشعار شاعر نیز دانست.

موسیقی کناری: موسیقی کناری حاصل تکرار کلمات شعری در پایان ابیات است که «آشکارترین نمونه آن قافیه و ردیف است» (محسنی، ۱۳۸۲: ۱۲). موسیقی کناری در دیوان سید حسن غزنوی قابل توجه است.

الف) قافیه: قافیه در موسیقی شعر اهمیت بسزایی دارد؛ زیرا آهنگ و موسیقی شعر را کامل کرده، سبب گوشنوازی آن میشود. البته زمانی قافیه باارزش و زیباست که بدون تکلف و رام و مطیع شاعر باشد (وحیدیان کامیار، ۱۳۷۴: صص ۹۲-۹۳). از مهمترین ویژگیهای قافیه اشعار حسن غزنوی میتوان موارد زیر را برشمرد:

تکرار قافیه: در این ویژگی شاعر قافیه را در یک قصیده یا غزل تکرار میکند. سید حسن غزنوی به این کار تمایل فراوانی نشان داده است؛ بگونه‌ای که در یک قصیده چندین قافیه تکرار میشوند. وی در قصیده‌ای در مدح جمال‌الدین محمد وزیر، قافیه «طهارت» را در بیت‌های ۴ و ۲۴ تکرار میکند (دیوان غزنوی: ص ۸). او در قصیده شانزدهم، قافیه «زبان» را در دو بیت متوالی ذکر میکند (ص ۳۲)، یا در قصیده‌ای در مدح معزالدوله خسروشاه

قافیه‌های «شکر»، «دیگر» و «لشکر» را تکرار میکند (صص ۱۲-۱۶). و تکرار قافیۀ «نگار» در قصیدۀ یازدهم (صص ۲۲-۲۳)؛ تکرار قافیه‌های «من»، «ثمن»، «سنن»، «شکن»، «حسن» و «تن» در قصیدۀ شماره‌دوازده (صص ۲۳-۲۷)؛ تکرار قافیۀ «صواب» در قصیدۀ دوم (صص ۵-۶) و تکرار «میسر» در قصیدۀ پنجاه و هفتم (صص ۱۱۶-۱۱۷).

ذوق‌قافیتین: اگر شعر داری دو قافیه باشد، آن را ذوق‌قافیتین مینامند. گاه در اشعار حسن غزنوی با دو قافیه مواجه میشویم که میتوان این خصیصه را جزو ویژگی سبکی شاعر دانست؛ مانند قافیه‌های آید و تابد، هوای و لقای (صص ۱۴۷) و قافیه‌های خندان و افشان، شکر و گهر (صص ۲۷).

ذوالقوافی: در اشعار حسن غزنوی گاه با ذوالقوافی برخورد میکنیم. ذوالقوافی یعنی به کار بردن بیش از دو قافیه در بیت. به نظر کاشفی سبزواری این صنعت را از ترصیع اخذ کرده‌اند (بدایع‌الافکار، صص ۱۲۹-۱۳۰). مانند قافیۀ عشرت و خدمت، حوران و دیوان، گلشن و گلخن (صص ۱۲۱).

قافیۀ درونی: حسن غزنوی برای افزایش موسیقی و آهنگینتر شدن شعر و تأثیر بیشتر آن بر مخاطب، قافیۀ درونی به کار میبرد و آن قافیه‌ای است که در میانهٔ مصراع قرار میگیرد و جدای از قافیۀ پایانی است. قافیه‌های مهربانی و نشانی (صص ۳۰۴) و قافیه‌های کویس و مویش، رسیدی و شنیدی، زارم و گذارم (صص ۳۰۴) از نوع قافیۀ درونی است.

رد القافیه: آن است که قافیۀ مصراع نخست شعر اعم از قصیده یا غزل، در مصراع دوم بیت پایانی تکرار شود (همایی، ۱۳۵۴: ۷۲). این مورد یکی از ویژگیهای سبکی حسن غزنوی است. بعنوان نمونه در قصیدۀ ۱۷ قافیۀ «جوزا» در مصراع اول بیت نخست و مصراع دوم بیت آخر تکرار میشود (صص ۳۳ و ۳۵). همچنین است تکرار قافیۀ «باز» در بیت نخست و پایانی غزل ۴۲ (صص ۲۸۴)؛ واژهٔ «نوبهار» در بیت نخست و پایانی قصیدۀ ۴۱ (صص ۸۱)؛ واژهٔ «میمون» در ترجیع‌بند شمارهٔ ۱۲ (صص ۲۳۴)؛ واژهٔ «آویخته» در غزل شمارهٔ ۶۳ (صص ۲۹۵)؛ «بجای» در غزل شمارهٔ ۴۹ (صص ۲۸۷) و «آفتاب» در قطعۀ یک (صص ۳۰۷).

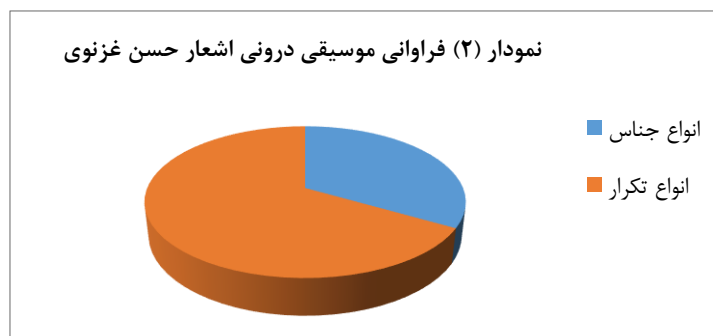
تجنیس: یکی از خلاقیت‌های شاعران، این است که در کلمات قافیه جناس به کار میبرند، بدین کار تجنیس میگویند. در اشعار حسن غزنوی تجنیس دیده میشود. تجنیس در قافیه‌های طاس و قرطاس، آس و خراس (صص ۹۹)، جمال و کمال، سال و بال، داستان و دستان (صص ۱۰۷)، کار و بار، خار و بخار، بار و بهار (صص ۱۱۰)، طاهر و ظاهر، بوطاهر و طاهر، نوا و هوا (صص ۱۹۹)، پر و بر، زر و سر، یار و عیار (صص ۲۰۰)، تنگ و ننگ (صص ۲۰۷)، ماه و شاه (صص ۲۱۳)، دارد و بارد (صص ۲۱۹)، تن و من، کار و کنار (صص ۲۲۱)، گاه و ماه، سیاه و سپاه، جانان و جان (صص ۲۶۲)، پسر و سر (صص ۲۷۲)، زبان و زیان (صص ۲۸۹) و جناس تام در قافیۀ «دیده» (صص ۲۰۰).

قافیۀ تضاد: در این نوع دو کلمۀ قافیه با یکدیگر متضادند. مانند دو کلمۀ هم‌قافیۀ درون و برون (صص ۲۶۹) و گلشن و گلخن (صص ۱۲۱).

ب) ردیف: ردیف سبب تحرک و پویایی شعر میشود. کارکرد انواع ردیف در ایجاد موسیقی متفاوت است. ردیفهای فعلی موسیقی بیشتری ایجاد میکنند و چون دایرۀ آنها گسترده است، بسامد بیشتری در شعر شاعران دارند. سید حسن غزنوی علاقهٔ فراوانی به استفاده از انواع ردیفهای فعلی، اسمی، حرفی و گروهی نشان داده است. از ۴۴۶ مورد اشعار دیوان وی، در ۳۹۶ مورد ردیف به کار رفته است. از میان همهٔ انواع شعر او، ۵۲ قصیده، ۸۳ غزل و ۲۸ قطعۀ دارای ردیف است. حتی شاعر گاه دو ضمیر «تو من» را در کنار هم بعنوان ردیف قرار داده است؛ کاری که در کمتر دیوانی دیده شده است.



موسیقی درونی: هر یک از جلوه‌های تکرار در نظام آواها، که از مقوله موسیقی بیرونی (وزن عروضی) و کناری (قافیه) نباشد، در حوزه مفهومی موسیقی درونی قرار میگیرد (رادفر، ۱۳۶۸: ۳۹۲) و معمولاً انواع تکرارها و جناسها را در بر میگیرد. موسیقی درونی اشعار حسن غزنوی بسیار پربار است. در دیوان وی حدود ۵۳۵ بار انواع جناس، ۱۱۲۰ مورد انواع تکرار به کار رفته است.



انواع جناس: جناس از آن جهت اهمیت دارد که هم در کلام موسیقی ایجاد میکند و هم سبب تداعی معانی مختلف لفظی واحد میگردد و منجر به گسترش تخیل و ایجاد جاذبه و کشش در شنونده میشود (تجلیل، ۱۳۶۷: ۲). حسن غزنوی از آن دسته شاعران خوش ذوقی است که با آگاهی از کارکرد جناس، به نحو مطلوبی از انواع این آرایه (تام، مضارع، محرف، مذیل، مزید، لفظ، خط، قلب بعض، قلب کل، اشتقاق، ازدواج) بهره گرفته است. از هنرمندیهای حسن غزنوی در انواع جناس، میتوان به جناسهای مرکب وی اشاره کرد. «دلتنگ و دل تنگ» (ص ۵۳) و «همسایه و هم سایه» (ص ۱۱۷). همچنین شاعر گاه در یک بیت چندین جناس اشتقاق به کار میبرد، مثلاً علم و عالم و علوم، گردان و گردون و گردانی (ص ۱۰)، سعد و سعادت، اکبر و کبری، و قرین و قرینه (ص ۳۰۹).

انواع تکرار: تکرار همچون جناس نقش بسزایی در موسیقی درونی دارد؛ البته به شرط آنکه سبب زیبایی کلام شود. این آرایه در دیوان حسن غزنوی به اشکال مختلف دیده میشود. تکرار واج به اشکال همصدایی و همحروفی که گاه شاعر هر دو را در یک بیت به کار میبرد. مانند همصدایی مصوت بلند «آ» و همحروفی صامت «ش» (ص ۱۶) و همصدایی مصوت بلند «آ» و همحروفی صامت «ب» (ص ۹۵).

شاعر اغلب چند واژه را در یک بیت تکرار میکند؛ مانند تکرار کلمات «آتش، دل و آهن» (ص ۲۶۸)، تکرار «خَلق، خَلق و گل‌شکر» (ص ۲۰۲). و گاهی یک واژه را چندین بار تکرار میکند: مانند تکرار «جوان» (ص ۶۸)، «جفا» (ص ۴۸)، «بگویم» (ص ۱۵۷)، «ارکان»، «۲۴۸»، «انگور» (ص ۲۹۹)، «طبع» (ص ۲۰۸). گاه نیز اغلب کلمات بیت تکرار میشود:

عادل عادل‌تبار، غازی غازی‌صفت مرکز مرکز ثبات خسرو خسرو نشان (ص ۱۲۹)

از دیگر ویژگی تکرارهای سید حسن غزنوی در شعر این است که میان این تکرارها ارتباط دیده میشود. مثلاً در بیت زیر ضمن تکرار کلمات سپهر، قدر و دریا، میان سپهرقدر یک بار با سپهر و بار دیگر با قدر ارتباط میابد و دریادل با دریا.

سپهرقدری دریادلی که با قدرش سپهر و دریا باشد کم از دخان و حباب (ص ۶)

در تکرارهای حسن غزنوی با تکرارهای یک کلمه در اشکال متفاوت برخورد میکنیم: (۱) تکرار پشت‌سرهم بدون فاصله: نی‌نی (ص ۱۳)، آری آری (صص ۱۹ و ۲۷۷)، خه خه (ص ۲۰)، (ص ۲۳)، نو نو (ص ۳۷)، زار زار (ص ۳۸)، زه زه (ص ۴۰)، کوه کوه، و ذره ذره (ص ۶۷)، ترسان ترسان (ص ۱۱۰)، نقد نقد (ص ۲۰۰)، بخ بخ (ص ۲۸۱)، تازه تازه (ص ۳۱۲)؛ (۲) تکرار با قرار دادن «در» و بندرت «اندر» بین دو واژه: گروه در گروه و شکن در شکن (ص ۲۶)، بهشت در بهشت و بهار اندر بهار (ص ۹۰)، سر در سر (ص ۹۴)، نم در نم (ص ۱۹۹)، فلک در فلک، جهان در جهان، و زبان در زبان (ص ۳۲)؛ (۳) تکرار با قرار دادن «به» میان دو کلمه: سر به سر (صص ۱۶، ۲۲)؛ (۴) تکرار با قرار دادن «بر» میان دو کلمه: تو بر تو (ص ۱۹۹)، گره بر گره (ص ۲۶)؛ (۵) تکرار با قرار دادن الف میان دو کلمه: فوجافوج (ص ۸۸)، راستاراست (ص ۲۷۲). در میان این نوع تکرارها، تکرار پشت‌سرهم بدون فاصله و تکرار با «در» بیشترین کاربرد را داشته است.

اعنات یا التزام: در اعنات شاعر برای هنرنمایی، کلمه یا کلماتی را تکرار مینماید. چنین ویژگی در اشعار حسن غزنوی دیده میشود.

الف) التزام به تکرار یک یا چند واژه در چند بیت پیاپی: بعنوان مثال، شاعر در صفحه ۲۴ دیوان دو کلمه «مسدس» و «مئمن» را در چهار بیت التزام کرده است. همچنین است التزام آب و آذر در صفحه ۵۱ دیوان. ب) التزام به تکرار گروه کلمات در ابتدای بیت: گاه شاعر گروهی از کلمات را در ابتدای چند بیت تکرار میکند. مانند «منت ایزد را» که در صفحه ۹ دیوان شاعر در آغاز چهار بیت متوالی و در صفحه ۲۱۶ در سه بیت متوالی تکرار میشود.

نمونه‌های دیگر: «این منم یارب» در سه بیت پشت‌سرهم (ص ۴۹)، «هرگز بود که» در پنج بیت متوالی (ص ۱۷۱)، «منت ایزد را» در چهار بیت متوالی (ص ۹)، «بنامیزد آن» در چهار بیت پیاپی (صص ۱۷۴-۱۷۵) و «به شکرانه آنکه» در سه بیت متوالی (ص ۱۷۵).

موازنه: موازنه آن است که میان اغلب کلمات دو مصراع سجع وجود داشته باشد. شمیسا موازنه را یکی از ابزار مرسوم شعرسازی بویژه در سبک خراسانی و قصیده‌پردازی دانسته است (شمیسا، ۱۳۹۰: ۴۲). این آرایه از عوامل زیبایی موسیقی اشعار حسن غزنوی است:

از خداوندی قدم بر هفت گردون مینهد وز جوانمردی قلم بر هفت کشور میکشد (ص ۴۹)
 جودت چو کامل است ولی گو مراد خواه عفوت چو شامل است عدو گو گناه دار (ص ۷۲)

نمونه‌های دیگر: صفحات ۵۰، ۹۹، ۱۱۹، ۱۳۲، ۱۳۶، ۱۵۵، ۱۷۸، ۲۶۶، ۳۰۰، ۳۰۴، ۳۰۷ و ...

ترصیع: اگر کلمات دو قرینه سجع متوازی باشند یا یکسان باشند، ترصیع پدید می‌آید که خوش‌وزنتر از موازنه است. موازنه و ترصیع فراوان از ویژگیهای سبکی حسن غزنوی است.

گل دل بشکفت ز دیدارش دل گل بشکفت ز رخسارش (ص ۱۰۳)
 دلش ز حلقه شبرنگشان قمر جوید لبش ز پسته گلگونشان شکر یابد (ص ۳۷)

نمونه‌های دیگر: صفحات ۱۲۰، ۱۲۱، ۱۴۳، ۱۹۷ و ...

طرد و عکس: از ویژگیهای سبکی و تواناییهای حسن غزنوی میتوان به جابجایی کلمات در بیت اشاره کرد که به آن طرد و عکس میگویند و شاعر هر دو نوع این آرایه را به کار میبرد:

الف) جابجایی دو یا چند واژه

ز جود فربه او جسم آز شد لاغر ز کلک لاغر او جسم مردم فربه (ص ۱۹۵)

در غمت باد اگر دلی دارم بر دلم باد اگر غمی داری (ص ۲۳۳)

نمونه‌های دیگر: صفحات ۱۷، ۲۰، ۲۴، ۳۵، ۷۸، ۷۹، ۲۲۵، ۳۰۲ و ...

ب) یک مصراع به دو بخش تقسیم میشود و در همان مصراع جابجایی صورت میگیرد.

ای کرم یار تو و تو یار کرم وی ملوک آن تو، تو آن ملوک (ص ۱۰۷)

در بیت بالا در هر دو مصراع و در بیت زیر در مصراع اول، طرد و عکس وجود دارد.

صبح خندان چو گل و گل چون صبح سحری چاک زده پیراهن (ص ۱۵۸)

دیگر نمونه‌ها: صفحات ۱۷۹، ۲۱۷ و ...

تصدیر: تصدیر از آرایه‌هایی است که جزو تکرار به شمار می‌آید و متنوع است. هنر شاعر در این است که انواع گوناگونی از این آرایه را به کار میبرد. گاه شاعر کلمه‌ای را که در آغاز بیت آورده، در پایان آن تکرار میکند. گاه کلمه‌ای را که در ابتدای مصراع اول بیت آورده، در انتهای مصراع اول و گاه همان را در ابتدای مصراع دوم بیت تکرار میکند. گاه نیز کلمه‌ای در انتهای مصراع اول را در ابتدای مصراع دوم تکرار میکند. از دیگر نمونه‌های تصدیر در دیوان حسن غزنوی این است که شاعر کلمه‌ای را که در پایان مصراع اول آمده، در انتهای مصراع دوم تکرار میکند. در جدول زیر انواع تصدیر در دیوان حسن غزنوی به همراه شاهدمثالها آمده است.

ردیف	صدر	عروض	ابتدا	عجز	شاهدمثالها
۱	*			*	کهربا (ص ۴۷)، جفا (ص ۴۸)، زر (ص ۵۶)، نمکدان (ص ۶۴)، رهبر (ص ۹۶)، آتش (ص ۱۰۱)، گوهر (ص ۲۱۳)، هوا و رضا (ص ۲۷۸)
۲	*	*			عنان (ص ۲۸۳)
۳	*			*	غم (ص ۳۱۳)
۴		*	*		آتش و دستان (ص ۵۳)
۵		*		*	آسمان (ص ۵۲)، دندان (ص ۶۴)، جاودان (ص ۶۹)، استغنا (ص ۸۱)

فرایندهای واجی

در زبان شعری به فراخور هنجارهای زبانی، وزن، محتوا و... از این فرایندها استفاده میشود؛ به فرایندهایی مانند افزایش، کاهش، تسکین، ابدال، حذف، ادغام و اماله فرایندهای واجی میگویند؛ یعنی تغییراتی که روی نوع، محل، تعداد واجها و یا ساختمان هجاها تأثیر میگذارد. شاعر از افزایش به منظور ایجاد موسیقی و اشباع هجاها، از کاهش برای ضرورت وزنی، از اماله جهت امتداد، از حذف برای سرعت بخشیدن و از تسکین برای عدم کراهت در سمع، بهره میبرد.

نوع فرایند	افزایش	کاهش	اطلاق	ابدال	تسکین	حذف	جمع کل
درصد	۳،۲	۳۲،۶	۶،۵	۳،۲	۱۶،۳	۳۸،۱	۱۰۰

جدول (۲) بسامد فرایندهای واجی در دیوان حسن غزنوی

الف) افزایش: در این فرایند شاعر به منظور ایجاد موسیقی بیشتر، صامت یا مصوتی را به کلمه میفزاید. کاربرد این فرایند در شعر حسن غزنوی محدود است. مانند بادیا بجای بادا (دیوان غزنوی: ص ۷۸)، آشناور بجای شناور (ص ۱۲)، دهاد بجای دهد (ص ۳۰۰). گاه در این فرایند شاعر تشدید را به کار میگیرد که در آن کلمه مشدد تلفظ میشود. مانند زرّ و کفّ در زرّ خورشید و کفّ او (ص ۲۲)، تری (ص ۴۶)، کفّ در کفّت (ص ۴۸) پرید (ص ۱۲۹)، شگرّ (ص ۲۰۱)، سمّ (ص ۲۴۷) و... .

ب) کاهش: کاهش یا تخفیف آن است که صامت یا مصوتی در کلمه به ضرورت وزنی حذف شود. در شعر «گاه اتفاق میفتاده است که شاعران به اقتضای ضرورت شعر و رعایت وزن آن، حرکتی بلند را کوتاه میساخته یا آن حرکت را حذف میکرده و در حقیقت کلمه را مخفّف میساختند» (محبوب، ۱۳۴۵: ۱۹۷). این فرایند در دیوان شاعر فراوان به کار رفته است که نمونه‌هایی ذکر میشود: مه بجای ماه (دیوان غزنوی: ص ۴۱)، تبتّ بجای تبتّ (ص ۱۲۵)، بیهده بجای بیهوده (ص ۱۳۴)، بُد بجای بود (ص ۱۴۷)، چدی بجای چیدی (ص ۲۱۷)، برچنم بجای برچینم (ص ۳۲۱)، شه بجای شاه (ص ۳۰۰).

ج) الف اطلاق: بادا (صص ۱۶۵، ۱۷۳، ۲۲۲، ۲۲۳)، انگارا (ص ۱۰۱)، گفتا (صص ۳۴۵، ۳۵۰) و... .

د) ابدال: طبق قواعد زبانشناسی، گاهی پاره‌ای از حروف و واجها، بخصوص آنها که مخرج و واجگاهشان مجاور و نزدیک یکدیگرند، به هم بدل میشوند. گاهی این تبدیل، بین واجهایی که هم‌واجگاه نیستند نیز صورت میگیرد.

سنگینی حروف و هجاها و دشواری تلفظ نیز از عوامل ابدال هستند (فرشیدورد، ۱۳۸۲: ۵۱۷). ب بجای و: بزآن (دیوان غزنوی: ص ۱۲۷) / پ بجای ب: اسپ (ص ۳۴۹) / ک بجای گ: فکار (ص ۳۰۵).

ه) تسکین: کاربرد تسکین برای عدم کراهت در سمع است و در سبک خراسانی اسکان ضمیر، موردی رایج بود. البته نه تنها در ضمیر که این تسکین در اسم و فعل هم دیده شده است. اسکان ضمیر آن است که «مصوت آغاز ضمیر را که همواره قبل از آن همزه است، حذف کنند. یعنی همزه و مصوت حذف میشود و صامت ضمیر به کلمه قبل می‌چسبد» (شمیسا، ۱۳۷۳: ۲۷۳). در دیوان حسن غزنوی انواع تسکین ضمیر، اسم و فعل دیده میشود که البته شاعر به تسکین فعل توجه بیشتری نشان داده است: عَزْمَش بجای عَزْمَش، تیرُشَان بجای تیرِشَان، تیغُشَان بجای تیغِشَان (دیوان غزنوی: ص ۴۱)، نَدَهْمَش بجای نَدَهْمَش و نَنْهَمَش بجای نَنْهَمَش (ص ۳۴)، دلشُدگان بجای دلشُدگان (ص ۴۶)، مَکْدَار بجای مَکْدَار (ص ۱۰۴)، نَگُروم بجای نَگُروم (ص ۱۲۳) و

و) حذف: در این فرایند شاعر به منظور سرعت بخشیدن، حرف صامتی را حذف میکند که نمونه‌هایی از حذف از اشعار شاعر ذکر میشود: ز بجای از (ص ۱۲۷)، ار بجای اگر (ص ۱۳۴)، چو جای چون (ص ۴۶)، مندیش بجای میندیش (ص ۳۰۰)، فکار بجای افکار (ص ۳۰۵)، پادشا بجای پادشاه (ص ۳۴۱)، ناموزد بجای نیاموزد (ص ۲۲۷) و

سبک‌شناسی واژه‌ها

سبک‌شناسی واژه‌ها در دو بخش کلمات و ترکیبها بررسی میشود:

کلمات: دوره زندگی حسن غزنوی، دوره عربی‌مآبی است. شاعران این دوره بیشتر بر فضل‌فروشی و عربیدانی تأکید داشتند و این عامل سبب شده کلمات و ترکیبات عربی را فراوان به کار ببرند و گاهی از کلمات ثقیل نیز استفاده نمایند (غلامرضایی، ۱۳۹۱: صص ۹۸-۹۹). حسن غزنوی مانند اکثر شعرای معاصر خود، در ادب فارسی و تازی و سایر معلومات متداول زبان متبحر بوده است (حمیدی، ۱۳۷۱: ۳۱۷).

کلمات عربی: تعداد کلمات عربی در اشعار حسن غزنوی بسیار است و صفحه‌ای از دیوان وی را نمیتوان یافت که از کلمات عربی خالی باشد. کلماتی مانند: عادل، صادق، صواب (ص ۵)، ناطق (ص ۶)، استعارت، حلاوت، غزارت، استزارت، بصارت (ص ۷)، کفارت، ثانی، مسند (ص ۹)، عزم، حزم (ص ۱۰)، مخدوم، صدر، سحاب، ممتحن، عون، یمین و یسار (ص ۱۱)، طوق، اطلاق، معین، عارض، مفر (ص ۱۲)، منقش، مصور، غازی (ص ۱۳)، سخا، صفدر، وغا، صحیفه، صیت (ص ۴)، منیر، منزلت، نقصان، حفیظ، علیم (ص ۱۵)، امین، یمین، نهیب، ظل، طلعت (ص ۷۰)، حزم، بحر، عنف، مقتضا (ص ۱۰۰)، قبه، طبع، کان، نقصان (ص ۱۴۶)، سهل، قامع، افضال (ص ۱۸۳)، صدر، حجت، اعتقاد، عدو، اصطناع، قبضه (ص ۲۰۷)، سحاب، اقبال، ایام، طایر، سخا، صدر رفیع (ص ۲۳۵)، خصم، دفینه، فضل، سفینه، (ص ۳۱۰)، صفا، تمکین، ظن (ص ۳۴۷).

عبارات و ترکیباتی مانند: ابوالمحاسن (ص ۱۰۰)، بحمدالله (ص ۴۶)، خلد مصور (ص ۱۳)، المنه لله (ص ۱۶)، تبارک الله (ص ۱۷)، ملک جوزا (ص ۳۳)، وسط السماء (ص ۴۸)، معاذالله (ص ۸۶)، عنی الحزن (ص ۲۴).
 افعال: تعداد افعال عربی در دیوان شاعر اندک است. افعالی مانند: لا أزی (ص ۴۰)، رَفِقًا (ص ۳۴)، اذهب (ص ۲۴).
 از دیگر ویژگیهای شعری شاعر استفاده از قیود تنوین‌داری است که تنوین در آنها به ضرورت صورت «أ» تلفظ میشود. مانند: عمدا (ص ۳۴)، حقا (ص ۶۷).

همچنین شاعر در کلمات عربی «ت» را بجای «ه» به کار می‌گیرد: استخارت بجای استخاره، استشارت بجای استشاره، اشارت بجای اشاره (ص ۷)، اجارت بجای اشاره (ص ۸)، حوالت بجای حواله (ص ۴۳)، دیت بجای دیه (ص ۲۰۷).

کلمات ترکی: قرون پنجم و ششم دوره نفوذ و تسلط ترکان زردپوست آسیای مرکزی در ایران است که مهمترین نتایج آن انتشار اصطلاحات نظامی، اجتماعی و اداری آنان و رواج بعضی مفردات لهجات ترکی و شیوع اسامی ترکان در ایران است (صفا، ۱۳۷۲: ۱۹۶). با وجود این تعداد کلمات ترکی به کاررفته در دیوان شاعر بسیار کم است. کلماتی مانند تغری، طغان (ص ۵)، اتسز، خوارزم (ص ۱۳۴)، خاقان، بغراخان (ص ۱۹۳).

کلمات کهن: به کار بردن کلمات کهن در واقع گرایش شاعر به کهنگرایی و آرکائیسیم را نشان می‌دهد. تعداد این واژه‌ها در دیوان شاعر کم نیست. کلماتی مانند: دشخواری (ص ۱۰)، پارینه، پار (ص ۱۲)، خنگ (ص ۱۵)، بزم (ص ۱۵)، دوستکانی (ص ۱۹)، فتراک (ص ۲۳)، خه خه، سهم (= تیر) (ص ۲۵)، آهنج (ص ۲۶)، سیماب، سیمین، ذقن (ص ۲۷)، کهل (ص ۳۱)، سوفار (ص ۳۹)، بوک (ص ۴۰)، ناوک (ص ۴۲)، بدسگال (ص ۴۳)، زهی (ص ۴۶)، مشاطه (ص ۴۷)، شرزه (ص ۱۳۸)، نشتر، هم‌تگ، دیولاخ (ص ۱۱۳)، خهی (ص ۱۱۹)، چنبر و اهرمن (ص ۱۲۰)، نهنبن (ص ۱۲۳)، هین (ص ۱۳۰)، سپنج (ص ۱۳۱)، شرزه (ص ۱۳۸)، خدنگ (ص ۱۷۴)، طره و شکن (ص ۲۴۹)، بخ بخ (ص ۲۸۰)، زاژ (ص ۳۳۹).

کلمات خاص شاعر: در دیوان شاعر با کلماتی مواجه می‌شویم که خاص اوست که تعداد آنها انگشت‌شمار است. فراخا (ص ۷)، آشناور (ص ۱۲) و جاناور (ص ۶۰)، نهاله‌گه (ص ۱۷۴)، سیاه‌سار (ص ۳۱۵)، تنگبار (ص ۳۱۷).

ترکیبها: ترکیبهای فراوانی در دیوان شاعر دیده می‌شود. مردم‌چشم، ستاره‌طبع (ص ۵)، شاه عرش‌جناب (ص ۶)، طوطی سبز شکرلب، شاد نغز سمنبر (ص ۱۳)، اما از ویژگیهای سبک شخصی شاعر و از جمله تواناییهای وی به کار بردن ترکیبات فراوان نو و خاص است که بصورت وصفی و اضافی دیده می‌شود که در میان آنها ترکیبها طولانی هم فراوان است. صفاتی همچون «تنگ‌ترکیب» برای جهان (ص ۹)، «فراخ‌پهنا» برای صیت (ص ۱۴)، «کمانکش» برای عزم و «زره‌در» برای حزم، «رنگ‌ریز» برای تیغ و دهر (ص ۱۵)، «باخطر» برای کف (ص ۱۶)، «ظفرشکار» برای چتر شاه (ص ۱۷)، «دُررنثار» برای سخای شاه (ص ۱۷)، «خوشبویِ مخمورِ طبیعی» برای نرگس و «بید خرم‌روی سرمست» برای جوانی (ص ۱۹)، «لاله‌پوش» برای ماه و «گلفروش» برای خورشید. «حلقه‌جای شیرسوار ستارگان»، «مالیده سفاقت» (ص ۱۸)، «گشادنامه پروانگی» (ص ۲۰۲)، «مه‌سوار زحل‌رکاب» (ص ۱۰۸)، «ساغر خورشیدسیما» (ص ۶۱)، «نقاش چرب‌انگشت»، «آینه امید» (ص ۵۹)، «چرخ نقره» (ص ۱۵)، و «نهال فتح» (ص ۱۷) از دیگر نمونه‌های خلاقیت حسن غزنوی در ایجاد ترکیبات نو است.

سبک‌شناسی جمله‌ها (نحوی)

منظور از سطح نحوی، سبک‌شناسی جملات است. مهمترین موارد دستوری یافت‌شده در دیوان حسن غزنوی موارد زیر است:

حرف

کاربرد مختلف «را»

الف) «را»ی فک اضافه: یکی از ویژگیهای اشعار غزنوی کاربرد رای فک اضافه است. بعنوان نمونه «جهان را شاه

فرخ‌پی» در معنای «شاه فرخ‌پی جهان» (ص ۶۳)، «ما را همه شادی» در معنای «شادی همه ما» (ص ۲۷۰) و «مشک را خون شد جگر» در معنای «جگر مشک خون شد» (ص ۲۷۳) به کار رفته است. نمونه‌های دیگر: صفحات ۴۴، ۱۱۰، ۱۵۸، ۲۴۰، ۲۴۱، ۲۴۲، ۲۶۰، ۲۸۰، ۳۰۳ و ...

ب) «را» در معنی «به»: گاه در دیوان حسن غزنوی «را» در معنی حرف اضافه «به» استفاده شده است: عزمت ار گوید زمین را کای زمین یک ره بگرد / حزمتم ار گوید فلک را کای فلک یک دم بدار (ص ۷۱)

نمونه‌های دیگر: صفحات ۷۳، ۸۰، ۱۶۴، ۲۰۰، ۳۰۴، ۳۰۵ و ...

ج) «را» در معنی «برای»

لب و دندانت مریزاد کزین پس بی تو / کار نایید ز پس خنده لبی را دندان (ص ۱۳۴)

دیگر نمونه‌ها: صفحات: ۲۳۹، ۲۶۲، ۳۰۴ و ...

د) «را»ی اختصاص: که بیشترین نمونه‌های آن را «منت خدای را» (صص ۱۶۹، ۱۳۶، ۱۵۶، ۱۷۰) و «منت ایزد را» (ص ۱۸۷) تشکیل میدهد.

کاربرد «اندر»

کاین همچو مداح تو در اندر دهان نهاد / وان همچو زایر تو زر اندر کنار کرد (ص ۲۵۵)

دیگر نمونه‌ها: صفحات ۵۴، ۵۶، ۶۷، ۹۳، ۱۴۱، ۱۴۲، ۲۵۷، ۲۶۲، ۲۶۴، ۲۵۷، ۳۱۳، ۳۲۲، ۳۴۲، ۳۵۱ و ...

ضمیر

کاربرد ضمیر در نقش مضاف‌الیه

بسیار ز تیرت سپرش همچو زره شد / این بار ز گرزت زرهش همچو سپر باد (ص ۲۹)

در این نمونه نقش ضمیر «ت» در تیرت و گرزت، «ش» در سپرش و زرهش مضاف‌الیه است.

کاربرد ضمیر در نقش مفعول: ضمیر «ت» در «خواهدت کشت» نقش مفعولی دارد، یعنی تو را خواهد کشت (ص ۶۴)، «کش» به معنی که او را (ص ۱۰)، «در دل کمنت جای» به معنی تو را در دل جای کنم (ص ۵۲)، «بختم گرفت در بر» یعنی بخت مرا در بر گرفت (ص ۶۶).

کاربرد دو ضمیر در کنار هم: کاربرد دو ضمیر در کنار هم از ویژگیهای شعری حسن دهلوی است. مانند «ماش» (ص ۱۳۴) و «تومان» (ص ۲۸۴) و «توشان» (ص ۱۷).

فعل

کاربرد افعال کهن: در اشعار حسن غزنوی با افعال کهن نیز برخورد میکنیم. افعالی مانند: بزی (صص ۴۲، ۶۳)، باد (ص ۲۷۰)، بادا (ص ۱۶۵)، فکن، بچم، مریزاد (ص ۱۳۱)، ستاندن (ص ۱۵۲)، خاییدن (ص ۲۵۶) که شاعر فعل دعایی «باد و بادا» را فراوان به کار برده است.

کاربرد «م» نفی بر سر فعل: یکی از ویژگیهای سبک خراسانی این بود که برای منفی کردن افعال بر سر آنها «م» نفی قرار میدادند که یکی از ویژگیهای بارز نحوی، در اشعار حسن غزنوی به شمار می‌آید و کمتر فعلی در دیوان

وی یافت میشود که با «ن» منفی شده باشد. مباحش (ص ۱۱۳)، مجوی (ص ۱۱۷)، مده و مباد (ص ۲۱۰)، گمان مبر (ص ۱۱۸)، مگوی (۱۴۷)، مپیچ و مکوش (ص ۲۱۱)، طعنه مزن (ص ۲۶۶)، مبیناد (ص ۲۹۸)، مکن (ص ۳۲۰)، کاربرد همی: معمولاً در سبک خراسانی بر سر افعال «همی» یا در پایان فعل «ی» قرار میدادند و گاه هر دو مورد در اشعار حسن غزنوی به کار رفته است که کاربرد همی بیش از سایر موارد است. همیساید (ص ۶۳)، همی‌گیرند (ص ۵۴)، همیکنند (ص ۱۱۷)، همی‌بخواب (ص ۱۱۸)، همی‌افکنم، همی‌تنم (ص ۱۲۲)، همی‌آید (ص ۱۴۷)، همینماید (ص ۱۵۰)، همی‌بینند (ص ۱۷۷)، همی‌فرو خورد (ص ۲۵۴)، همیشود (ص ۳۱۴).

کاربرد «ی» در آخر فعل استمراری: آمدی به معنی می‌آمد (ص ۱۱۶)، برآوردمی (ص ۱۲۳)، کنمی (ردیف قصیده ۷۸) (صص ۱۶۱-۱۶۳)، بیارمی، ببازمی، بخارمی (ص ۲۵۵)، بایستی (ص ۲۹۷).

کاربرد هم‌زمان «همی» و «ی»: همیدارمی (ص ۲۲۵)

کاربرد «ب» بر سر فعل: بگرفت، برفت (ص ۲۱۹)، بنگذارد (ص ۲۳۱)، بساخت (ص ۱۵۱)، برگاشتن، بنگاشتن (ص ۲۹۸).

کاربرد افعال نیشابوری: شدستی (ص ۱۳۳)، کردستی (ص ۱۶۳)، راندستی (ص ۳۰۱)، بخواندستی (ص ۲۳۹)، شدستم (ص ۳۱۳) و...

کاربرد اندی و اندیک (اندی + که): الفاظی از کلمات تمنی هستند و به معنای امید است، بود که، باشد که و باید که به کار رفته‌اند (سجادی، ۱۳۷۴، ج ۱: ص ۱۲۵).

ما را همه شادی ز غم تست و فزون باد اندی که غمت هست، اگر هیچ غمی نیست (ص ۲۷۰)
 او گر ز کرده بازنگردد مگرد کو اندیک بازگرد به عدل شهنشه است (ص ۲۶۴)

فاصله بین اجزای فعل

ای کاشکی پذیرد و کاریش آمدی پیکار خر همی همه بر عیسی آورم (ص ۱۲۲)

در این نمونه میان همی و آورم فاصله افتاده است. دیگر نمونه‌ها: صفحات ۱۳، ۱۳۸، ۱۷۷، ۲۵۵، ۲۷۵ و...

سطح ادبی

در این سطح به صور خیال در دیوان سید حسن غزنوی پرداخته میشود.

تشبیه: دیوان حسن غزنوی پر از انواع تشبیهات است. تشبیهات وی آنگونه که در سبک خراسانی رایج بوده، به اعتبار طرفین، اغلب حسی به حسی و مفرد به مفرد است و تصویر آن تراکم کمتری داشته و زودیاب هستند. از لحاظ تعدد طرفین و ادات، بیشتر بلیغ و مرسل هستند و اغلب زمینه‌های تشابه در بیت یافت میشود؛ همین امر سبب شده اشعارش کمتر نیازمند تفسیر و تعبیر باشند. تشبیه دست به سحاب (ص ۱۱)، لاله به مجمر (ص ۱۲)، تن به سیم و قد به سرو (ص ۲۶)، روی به کهربا (ص ۴۸)، زبان به شکر و دل به شمع (ص ۵۱)، روی به ماه (ص ۵۲)، دریا به ابر (ص ۱۱۱)، لب خندان به غنچه (ص ۱۶۱)، کوه به ریگ روان (ص ۱۸۰)، خون به شیر (ص ۱۹۰)، کف به بحر (ص ۱۹۳). البته تشبیهاتی هم که در آن طرفین یا یکی از طرفین تشبیه جزو معقولات باشند نیز به کار برده است. تشبیه صیت به عرض عالم (ص ۱۳)، طبع به سحر و بخت به شفق (ص ۹۱)، طبع به آتش (ص ۱۱۱)، امل به دریا و اجل به حلقه (ص ۱۸۶)، جان به کوه (ص ۹۰).

تشبیه ملفوف که در آن چند مشبه و مشبه‌به را در کنار هم می‌آورد. مانند تشبیه سیه و سپید به روز و شب که از نوع ملفوف مشوش است.

ز مدح او و فتح تو که هست آن بلبل و این گل / چمد طبع معزی و بنازد جان اسکندر (ص ۸۹)

تشبیه مفروق که در آن تعداد مشبه و مشبه‌به از یکی بیشتر است و هر مشبه در کنار مشبه‌به خود ذکر میشود (صادقیان، ۱۳۷۱: ۱۴۶).

بر دیانت پای ثابت برنهاده همچو سرو / وز سخاوت دست کوتاه برگشاده چون چنار (ص ۹۲)

تشبیه جمع که در آن یک چیز به چند چیز تشبیه میشود:

سپاه غور هم گر راست خواهی با همه کژی / چو آتش نیزه‌زن بودند و همچون برق جوشن در (ص ۸۹)

خدای عزوجل داد بنده را در سر / دو دیدگان گرمی بسان شمس و قمر (ص ۹۵)

تشبیه بلیغ، تشبیهی که در آن فقط مشبه و مشبه‌به ذکر شده است. آینه دل و کلاه دولت (ص ۵)، بحر علم (ص ۶)، جام لب و گل رخ (ص ۷)، آتش فراق (ص ۱۱)، آسمان معالی و اختران کرم (ص ۱۲۰) و... . تشبیه عکس که در آن مشبه به مشبه‌به و بار دیگر مشبه‌به به مشبه مانند میشود.

گل دل بشکنند ز دیدارش / دل گل بشکفد ز رخسارش (ص ۱۰۳)

فرق این آرایه با طرد و عکس در این است که در طرد و عکس تشبیه و همانندی در کار نیست. تشبیه سمبلیک: از انواع تشبیهات هنری در اشعار او میتوان به تشبیه سمبلیک اشاره کرد. تشبیه سمبلیک از نظر شمیسا، نوعی تشبیه بلیغ است که در آن مشبه‌به سمبل و نماد صفتی یا حالتی است (شمیسا، ۱۳۷۹: ۴۶).

مردانگی باز و جوانمردی خروس / خرسندی همای و وفای کبوترم (ص ۱۱۵)

تشبیه تلمیحی نوعی اضافه تشبیهی است که لازمه درک وجه‌شبه آن آشنایی با داستان است (شمیسا، ۱۳۷۹: ۴۶).

گربان شود سحاب چو یعقوب تا که گل / خندان رود ز چاه چو یوسف به تخت بار (ص ۷۷)

از دیگر جنبه یعنی وجود یا عدم وجود ادات تشبیه میتوان گفت در دیوان حسن غزنوی هم تشبیه مرسل و هم مؤکد دیده میشود. شاعر در تشبیه مرسل از ادات و پسوندهای متنوعی بهره میگیرد: چو، چون، همچو، همچون، مانند، بسان و پسوندهای وار، وش و گون.

در ذیل جدول بسامدی انواع تشبیه در قصاید سید حسن غزنوی ترسیم میگردد.

نوع تشبیه	حسی حسی	حسی عقلی	عقلی حسی	عقلی عقلی	مرسل	مؤکد	ملفوظ	مفروق	جمع	تمثیل	تفصیل	مضمر	بلاغ	عکس	سمبلیک	تلمیحی	جمع کل
درصد	۲۱،۵	۲،۸	۶،۸	۲،۱	۱۲،۸	۲۰،۴	۴،۱	۱،۷	۲،۲	۲،۱	۳،۷	۲،۱	۱۱،۲	۰،۷	۲،۴	۳،۱	۱۰۰

جدول (۳) بسامد انواع تشبیه در اشعار سید حسن غزنوی

استعاره: در دیوان سید انواع استعاره به چشم می‌خورد. انواع استعاره مصرحه، اصلیه، مکنیه (تخیلیه) و حتی تشخیص. با وجود اینکه بسامد این آرایه از تشبیه بسیار کمتر است، ولی شاعر به استعاره مکنیه و مصرحه تمایل بیشتری نشان داده است.

استعاره مصرحه: در این نوع استعاره صفتی، فعلی یا جزئی از مشبه‌به همراه مشبه ذکر می‌شود:

سحاب تا نشود پرده‌دار شاه فلک عروس باغ ز پرده برون نیارد سر (ص ۹۷)

صدفها در هوا برد ابر گویی حاصل از دریا صدفها ماند در بالا و در پاشید بر هامون (ص ۱۶۴)

دیگر نمونه‌ها: صفحات ۶، ۹، ۱۸، ۳۳، ۶۱، ۸۸، ۱۰۳، ۱۰۷، ۱۱۰، ۱۲۶، ۱۵۳، ۱۵۶، ۱۶۰ و ...

استعاره اصلیه: در این نوع استعاره، مستعار اسم عام یا اسم جنس است. مانند:

گناه کردن هر خس بدان همینرسد که عذر خواهد و خواهد که در دهد ریواس (ص ۹۹)

استعاره مکنیه: از انواع زیبای استعاره است، بدین دلیل که مشبه‌به ذکر نمی‌شود، بلکه مناسبات و لوازم مستعارمنه را به مستعار نسبت می‌دهد.

غبار جیش تو در چشم آسمان رفته است صدای کوس تو در گوش کوهسار شده است (ص ۱۷)

دیگر نمونه‌ها: صفحات ۱۷، ۲۳، ۲۵، ۳۵، ۴۲، ۱۲۱، ۱۳۴، ۱۵۹، ۱۶۶ و ...

تشخیص: استعاره مکنیه‌ای است که در آن مستعارمنه انسان است و ویژگیها یا اجزای انسانی به مستعار غیرانسانی نسبت داده می‌شود. این از زیباترین و خیال‌انگیزترین نوع استعاره است و لذت ادبی را در پی دارد. بسامد این آرایه در اشعار شاعر فراوان است مانند: آمدن و بشارت دادن برای صبا و مخاطب قرار گرفتن دریا (ص ۸)، خندیدن برای شاخه (ص ۱۶)، دست زدن از روی شادی برای سرو (ص ۲۶)، پرسیدن برای خیال (ص ۲۷)، گشاده شدن صورت دولت (ص ۱۴۹)، ثنا کردن برای گل (ص ۱۵۸)، گرییدن برای تیغ تیز (ص ۱۴۱)، شرم برای دُر و بیم برای تیغ (ص ۱۳۰)، بوسیدن برای تخت (ص ۱۱۷) و ...

نوع استعاره	مصرح	اصلیه	مکنیه	تشخیص	جمع کل
درصد	۲۰,۱	۳,۱	۲۱,۱	۵۵,۷	۱۰۰

جدول (۴) بسامد انواع استعاره در اشعار سید حسن غزنوی

مجاز: در شعر حسن غزنوی انواع جناس به علاقه جزء و کل، حال و محل، لازم و ملزوم، سبب و مسبب، جنس، شباهت، آلیه، لازم و ملزوم دیده میشود. میزان کاربرد این آرایه نسبت به دیگر صنایع ادبی کمتر است. در بین انواع مجاز، مجاز به علاقه کل و جزء بیشترین کاربرد را داشته است. بعنوان مثال در صفحه ۲۳ دیوان، هائویه که از طبقات جهنم است به معنای کل به کار رفته و ذکر جزء و اراده کل است و یا خراسان مجاز از مردم خراسان است به علاقه حال و محل (ص ۱۶۱)، خون مجاز از کشتن به علاقه لازم و ملزوم (ص ۱۳). ایادی (= داستان) مجاز از یاران به علاقه آلیت است (ص ۷۸).

جمع مجاز	جزء و کل	حال و محل	لازم و ملزوم	سبب و مسبب	صفت و موصوف	جنس	شباهت	آلیت	ظرف و مظهر	جمع کل
درصد	۱۶,۶	۱۴,۶	۱۳,۵	۱۴,۶	۶,۱۵	۴,۱	۸,۲	۱۲,۵	۱۰,۴	۱۰۰

جدول (۵) بسامد انواع مجاز در اشعار سید حسن غزنوی

کنایه: سید حسن غزنوی از کنایات فراوان بهره برده و به کنایه فعل توجه بیشتری نشان داده است. وی در کنایات گاهی صفت را بازگو و موصوف را اراده کرده است. یعنی کنایه موصوف را مدنظر قرار داده است. مانند: دیولاخ کنایه از دنیا (ص ۱۱۴).

گاهی نیز صفتی را ذکر کرده و صفت دیگری را اراده کرده است. یا به عبارت دیگر ترکیب یا جمله‌ای به کار برده و معنای دور آن صفتی را مد نظر داشته است. مانند: فراخ‌دست کنایه از بخشنده (ص ۱۸)، روزگور کنایه از ناسپاس (ص ۷۱)، حلقه در گوش کنایه از مطیع (ص ۱۰۵).

اما گاهی گونه‌ای دیگر از کنایه را به کار برده است که در آن فعلی را به کسی یا چیزی نسبت داده، ولی فعل دیگری را اراده کرده یا معنای دیگری از آن فعل را در نظر داشته است. مثلاً بر باد دادن کنایه از نابود کردن (ص ۶)، دل بردن کنایه از عاشق کردن (ص ۱۳)، در سر باد داشتن کنایه از غرور و تکبر داشتن (ص ۳۱). کنایات غزنوی معمولاً تکراری است، ولی بندرت کنایه بدیع و نو که خاص شاعر است نیز در دیوان وی یافت میشود. مانند: پی کور کردن کنایه از محو کردن (ص ۱۱۲).

نوع کنایه	کنایه موصوف	کنایه صفت	کنایه فعل	جمع کل
درصد	۱۰	۲۰	۷۰	۱۰۰

جدول (۶) بسامد انواع کنایه در اشعار سید حسن غزنوی

آرایه‌های بدیعی

با مطالعه دیوان سید حسن غزنوی میتوان به توانایی و هنر او در کاربرد انواع آرایه‌ها پی برد. صنایعی چون ارسال‌المثل، استدراک، اغراق و مبالغه و غلو، ایضاح بعد از ابهام، ایهام، تضاد، تلمیح، تناسب، تناقض، حسن تعلیل، حسن طلب، سؤال و جواب، سیاقه‌الاعداد، لف و نشر، مقابله، ملمع، و موقوف المعانی.

ارسال‌المثل:

بیگانه گر هزار بود، آشنا یکی تیرت به اتفاق بر آن آشنا رسد (ص ۵۳)

نمونه‌های دیگر: صفحات ۳۲، ۳۳، ۴۴، ۴۷، ۱۳۳، ۱۵۷ و ...

استدراک: آن است که مغایر را با «لکن» از هم جدا کنند (صادقیان، ۱۳۷۱: ۱۴۵).

چو گردون دل بسی دارد ولیکن چو گردون جمله گردان مینماید (ص ۶۴)

نمونه‌های دیگر: صفحات ۳۴، ۵۱، ۵۳، ۶۳، ۶۶، ۸۱، ۱۶۵ و ...

اغراق:

افتاده همچو سنگی بر راه او زمین برخاسته چو گردی از نعل او زمان (ص ۱۳۴)

(

نمونه‌های دیگر: صفحات ۱۲، ۱۶، ۱۷، ۲۰، ۲۵، ۱۰۳، ۱۰۶، ۸۵، ۱۸۰، ۱۶۶، ۱۲۰، ۱۲۱، ۷۲، ۱۵۳ و ...

ایضاح بعد از ابهام: از صنایع جالب توجه در دیوان شاعر است که در آن شاعر نخست مطلبی را مبهم بازگو میکند، سپس آن را شرح و توضیح میدهد.

منت خدای را که شکفت و چمید باز هم گلبن سعادت و هم سرو بارگاه (ص ۱۶۹)

نمونه‌های دیگر: صفحات ۲۳، ۱۶۳، ۱۶۶، ۱۶۹، ۱۷۰، ۱۷۳ و ...

ایهام: نمونه اول از نوع ایهام تناسب و نمونه دوم ایهام تضاد است:

هر که با او نرود از دل و از جان چون تیر خسته‌دل گردد از تیر فلک چون سوفار (ص ۸۱)

سپاه غور هم گر راست خواهی با همه کژی چو آتش نیزه‌زن بودند و همچون برق جوشن در (ص ۸۹)

نمونه‌های دیگر انواع ایهام: صفحات ۹، ۱۱، ۱۲، ۴۰، ۳۱، ۴۲، ۳۳، ۴۷، ۸۱، ۱۱، ۱۳۶، ۱۵۷، ۱۹۵ و ...

تضاد: تضاد در اشعار حسن غزنوی به دو شکل دیده میشود: (۱) تضاد میان اسامی (اسم، صفت، قید): خار و گل (ص ۷۴)، رنج و راحت (ص ۸۶)، باقی و فانی (ص ۸)، پیر و جوان (ص ۱۵۳)، پنهان و پیدا (ص ۷)، ناصح و حاسد (ص ۳۶)، آسان و دشوار، اندک و بسیار (ص ۱۵۴)؛ (۲) تضاد میان دو فعل: گریم و خندم (ص ۱۱۴)، برخیز و بنشین

(ص ۴۲)، بستن و گشادن (ص ۳۶)، ببرد و نبرد (ص ۱۲۴)، هست و نیست (ص ۱۱۴)، بخوان و بران (ص ۱۵۴)، فروشم و خرم (ص ۱۱۳)، گردد و نگردد (ص ۱۰۶) و

تلمیح: سید حسن غزنوی علاقه فراوانی به کاربرد تلمیحات اسطوره‌ای، تاریخی، قرآنی و دینی داشته، به همین دلیل این آرایه در دیوان وی فراوان به کار رفته است. مثلاً تلمیح به آیه ۱۰۲ سوره صافات در بیت زیر: خلیل‌وار چو فرزند خویش را خسرو به حق سپرد و حوالت به فضل یزدان کرد (ص ۴۳)

نمونه‌های دیگر: آرش (ص ۱۴۱)، حضرت آدم (ع) (صص ۳۰، ۳۹)، اسکندر/سکندر (صص ۵۰، ۶۲، ۸۰، ۸۹، ۱۰۴، ۱۱۷، ۱۳۷، ۱۷۶، ۱۹۳)، اسفندیار (ص ۷۰)، بیژن (ص ۲۶)، جمشید (صص ۱۰۵، ۱۳۱، ۱۴۲)، خضر (صص ۱۰۵، ۱۳۷)، رستم (صص ۵۶، ۸۸، ۱۵۲، ۱۹۰)، کیخسرو (صص ۴۳، ۱۵۲)، لیلی و مجنون (ص ۴۴)، سیمرغ (صص ۲۲، ۵۲، ۶۷)، چشمه حیوان (ص ۴۱)، آب حیوان (ص ۴۳) و

تناسب:

مقصود من تویی چو توام آمدی به دست از ماه و آفتابم هم سیم و هم زر است (ص ۱۵)

نمونه‌های دیگر: گل و بلبل (ص ۷)، گل و غنچه، لب و دهان (ص ۱۶۱)، شمع و پروانه (ص ۴۰)، خورشید و زمین و عطارد (ص ۲۵)، سوسن و گل، سیم و زر (ص ۳۰)، بنفشه و سوسن (ص ۳۲)، قح و باده (ص ۳۷)، حریف و جنگ و پیکار (ص ۳۸)، شست، خدنگ و سوفار (ص ۳۹)، پیل و شیر، ناخن و دندان (ص ۴۰) و

تناقض: آن است که دو کلمه یا مفهوم متضاد را بگونه‌ای در جمله بیاورند که سبب زیبایی شود.

به وصف کشی او عقل خود را چو گردون بی سر و بسیار سر یافت (ص ۲۷)

نمونه‌های دیگر: صفحات ۱۶، ۲۷، ۲۸، ۴۳، ۶۵، ۶۸، ۱۷۵ و

حسن تعلیل:

تا عروس ملک شاه از چشم بد ایمن شود چشم خواب نرگس اندر دیده‌بانی آمده است (ص ۱۹)

نمونه‌های دیگر: صفحات ۵، ۶، ۱۷، ۱۹، ۳۶، ۴۵ و

حسن طلب:

هر مکرمتی که میگذاری شکرى بسزا همی‌گذارم
هر قطره که بخشیم صدقوار درى به تو باز میسپارم (ص ۱۱۱)

نمونه‌های دیگر: صفحات ۶، ۷، ۱۸، ۳۳، ۳۳، ۷۳، ۱۶۹، ۱۷۱، ۱۷۵، ۱۹۶.

سؤال و جواب:

گفتم که آن براق که و آن فرشته کیست؟ دولت چه گفت؟ گفت که آگه شوی بدان (ص ۱۳۴)

نمونه‌های دیگر: صفحات ۱۷۲، ۱۷۳، ۱۷۹، ۱۸۰، ۱۹۲ و

سیاقه‌الاعداد:

واو شش باشد و حی هشت، همین نسبت هست تا نگویی که شش و هشت چه دستان و فن است (ص ۲۴)

نمونه‌های دیگر: صفحات ۱۶، ۱۷، ۲۰، ۲۴، ۸۵، ۱۳۴، ۱۵۰، ۱۶۳ و ...

لف و نشر:

در گردن و گوشش از مه نو از مهر تو طوق و گوشوار است (ص ۱۲)

نمونه‌های دیگر: صفحات ۸۸، ۱۵۸، ۱۶۴، ۱۶۹، ۱۷۰، ۱۷۹ و ...

مقابله: نوعی تضاد که در آن شاعر چند واژه یا مفهومی را در یک مصراع ذکر میکند، سپس متضاد آن را در مصراع بعدی بیاورد.

هم شد به عون بخشش او رنج من سبک هم شد ز بار منت او پشت من گران (ص ۱۵۵)

نمونه‌های دیگر: صفحات ۱۰۸، ۱۲۴، ۱۵۴، ۱۵۵، ۱۶۷، ۱۹۳ و ...

ملمع: آن است که شاعر مصراع یا بیتی به زبان فارسی و مصراع یا بیت دیگر به زبان عربی بسراید.

طلع الشمس و علی الندمان فاشرب الراح علی الريحان
شاید از داد ز گل بستانی که به رخ رشک گل بستانی (ص ۱۹۳)

نمونه‌های دیگر: صفحات ۱۹۳ و ۱۹۴.

موقوف المعانی:

گر صدهزار سر بودت همچو بید بن و ر صدهزار دل بودت همچو کوکنار
پی گردد آن همه سر همچون سر قلم خون گردد آن همه دل همچون دل انار (ص ۷۴)

نمونه‌های دیگر: صفحات ۱۷، ۱۲۴، ۱۳۸، ۱۳۹، ۱۴۶، ۱۹۷.

از ابداعات و تواناییهای شاعر آوردن چند آرایه در یک بیت است که نمونه آن را در بیت زیر میتوان مشاهده نمود. شاعر در همین یک بیت تضاد، لف و نشر، تضمین المزدوج، مراعات النظیر و جناس به کار برده است:

به رای و روی مهر و مه، به تاج و چتر روز و شب
به لطف و قهر نیک و بد، به بزم و رزم نفع و ضرر (ص ۸)

(۲)

نام آرایه	درصد
رسال المثل	۲،۱
سندراک	۱،۹
غراق و ...	۴،۶
بضاح بعد از	۱،۹
بتمام	۲،۴
تضاد	۱۶،۹
تلمیح	۷،۲
تناسب	۴۵،۱
تناقض	۱،۸
حسن تعلیل	۳،۲
حسن طلب	۲،۱
سؤال و جواب	۰،۸
سبأقه الاعداد	۱،۲
لف و نشر	۱،۲
مقابله	۱،۱
ملمع	۱،۸
موقوف المعانی	۴،۲
جمع کل	۱۰۰

جدول (۷) بسامد انواع آرایه‌های بدیعی در اشعار سید حسن غزنوی

سطح فکری

در سطح فکری باید به مضامین و درونمایه‌های مد نظر شاعر توجه نمود. مهمترین شاخصه‌های فکری که سید حسن غزنوی بدانها توجه نموده، چنین است:

گرایش به عشق: سخن از عشق و توصیف احوال عاشق از ویژگیهای اشعار حسن غزنوی بویژه در تشبیب قصاید و غزلیهاست.

چون دلم در خدمت آن سرو گلنار ایستد	دیده در نظاره آن لعل دربار ایستد
گر به نزدیک من آید فی‌المثل تا جان برد	دل کند تکبیر و آید پیش آن یار ایستد
تیر کو خستست از آن این جان سرگردان	پیش او بر یک قدم مانند پرگار ایستد (ص ۷۳)
من	قد تو به سرو بوستان ماند
روی تو به ماه آسمان ماند	بر عارض نازکت نشان ماند (ص ۴۵)
گر سایه برگ گل فتد بر تو	

وصف طبیعت: شاعر بسیار زیبا به توصیف فصل بهار میپردازد:

هم اکنون باز نقاش طبیعت خامه برگیرد	ز نقش علم‌آرایش جهان زیب دگر گیرد
گهی بر آب تر از ابر زنگاری زره دوزد	گهی از لاله تیغ کوه شنگرفی سپر گیرد
...صبا نقاش و عطار است، پنداری که	چو نقاشی به پایان برد، عطاری ز سر گیرد
پیوسته	که چون گردد مطرا عود قیمت بیشتر گیرد (ص ۴۵)
طبیعت گر درختان را مطرا میکند شاید	

مدح: شاعر در اغلب قصاید خود به مدح پادشاهان و امیرانی چون بهرامشاه، خسروشاه، خوارزمشاه، دولت‌شاه، سلطان محمود، امیر تغری تغان، محمود بغراخان و بزرگانی چون قوام‌الدین حسن خاصه، جمال‌الدین محمد وزیر و... پرداخته است که در میان این افراد بیشتر متوجه بهرامشاه بوده است. شاعر ابیات زیر را در مدح وی سروده است:

زمانه دامن اقبال شهریار گرفت	سعادتش چو دل و دیده در کنار گرفت
ظفر به همت گرز گران جمال گرفت	جهان به همت شاه جهان قرار گرفت (ص ۲۲)
ملک و دین شهنشه از رای همایون پرورد	شمس را در سایه چتر همایون پرورد
خسرو جمشیدفر بهرامشه کز یک نظر	گر بخواهد از غلامان صد فریدون پرورد (ص ۴۳)

حمد خداوند و ستایش اولیای دین: این نوع اشعار همواره زینت‌بخش دیوان شاعران مسلمان بوده است. سید حسن غزنوی با اعتقاد راستینی که از ایمان وی برخاسته، بهترین اشعار خود را در حمد خدا و ستایش پیامبر اکرم (ص) و خاندان بزرگوار ایشان سروده است. وی قصیده‌ای پنجاه‌وهفت‌بیتی را به حمد خداوند و مدح رسول اختصاص داده است.

سبحان خالقی که صفاتش ز کبریا
گر صدهزار قرن همه خلق کائنات
آخر به عجز معترف آیند کای اله
در خاک عجز میفکند عقل انبیا
فکرت کنند در صفت عزت خدا
دانسته شد که هیچ ندانسته‌ایم ما (ص ۳۴۹)

و در ادامه چنین میسراید:

جاوید در متابعت مصطفی گریز
خورشید خلد خواجه دنیا و آخرت
... چشم و چراغ سنت و نور دو چشم دین
تا نور شرع او شودت پیر و مقتدا
سلطان شرع و صاحب کونین مصطفی
صاحب قبول هفت قرآن صاحب لوا (ص ۳۵۰)

اندرز: قرن ششم دوره رواج ادب تعلیمی و طرح اخلاق و دعوت به نیکی است. در سراسر دیوان حسن غزنوی پند و اندرز دیده میشود. وی حتی در قصاید مدحی خود، نیز به طرح نکات اخلاقی میپردازد که نمونه‌هایی ذکر میگردد:

بخر از مال فانی جان باقی
که میمون باد بر تو این تجارت (ص ۹)

وی حتی قصیده ۴۰ را، که در مرثیه شرف‌الملک بوعلی سروده است، با اندرز آغاز میکند:

ای بیخبر ز نیک و بد گشت روزگار
در عالم فنایی دل در بقا منه
در ساحل رحیلی برگ سفر بساز
از خواب غفلت آخر یگراه سر برآر
در کلبه عنایی رامش طمع مدار
در منزل بسیجی تخم امل مکار (ص ۷۴)

تفاخر: در دیوان اغلب شاعران در دوره‌های مختلف شعر فارسی، اشعار مفاخره‌آمیز دیده میشود که در آن شاعر سعی داشته فضل و برتری خود را به رخ بکشد. در دیوان حسن غزنوی تفاخر به اصل و نسب و حتی هنر شاعری دیده میشود. وی در تفاخر به شعر خود چنین میسراید:

دری پر از عجایب دریا شود به حکم
طبعم چو آتش تر و هر دم خلیل‌وار
هر قطره‌ای که در صدف دل بپرورم
خوشبو گلی دگر دمد از آتش ترم (ص ۱۱۱)

و خود را طوطی شکرسخنی معرفی میکند که در دهانش همچون صدف است:

من همان طوطی شکرسخنم
که صدف بود حقه دهنم (ص ۱۹۰)

و در تفاخر به سید بودن و انتساب نسبی به پیامبر (ص) میگوید:

داند جهان که قره عین پیمبرم
دریا چو ابر بار دگر آب شد به حکم
شایسته میوه دل زهرا و حیدرم
چون گشت روشنش که چه پاکیزه گوهرم (ص ۱۱۱)

عرفان: از قرن ششم درونمایه‌های عرفانی وارد قصیده و غزل شد. با وجود این قصاید عموماً همان درونمایه‌های سابق را داشتند و شاعران این عصر هرچند همه را به ترک دنیا دوستی و مادیات دعوت میکردند، خودشان هنوز

در راه سیر و سلوک عرفانی قدم نگذاشته بودند. ردّپای عرفان و مضامین عرفانی در شعر سید حسن غزنوی دیده میشود. در *ریاض‌العارفین* آمده است که وی هفتاد هزار مرید داشت که در مجلس وعظ او شرکت میکردند و چهار هزار نفر از آنان در سلک مریدان خاص شاعر بوده‌اند (ریاض‌العارفین: ص ۳۱۳). در اشعار او با اصطلاحاتی عرفانی برخورد میکنیم مانند: جمع و تفرقه، خرقه، سماع، قطب، گوشه‌نشینی، مرقع.

جمع در جسم و تفرقه در ذات به حقیقت ستارهٔ پریم (ص ۱۲۱)
آنی که خرقه ضرب کند هر سپیده‌دم این گنبد مرقع‌پوش از سماع تو (ص ۲۹۲)

بهره‌گیری از معلومات: یکی از ویژگی‌های بارز شاعران این قرن انعکاس دانش در شعر است. این اظهار فضل و آگاهی از دانش‌های زمان در اشعار سید حسن غزنوی نیز دیده میشود. شاعر از انواع علوم مانند طب، موسیقی و بویژه نجوم در خلق مضامین شاعرانه بهره برده است. بسامد زیاد اصطلاحات نجومی را میتوان ویژگی سبکی شاعر به شمار آورد.

دانش نجوم: اسطراب (ص ۶)، صاحبقران (ص ۲۱)، محاق و هلال (ص ۹۷)، سعد، زحل (ص ۱۴۲)، اوج، شمس، جوزا، خانهٔ قمر (ص ۱۴۸)، سهیل، سها، ستاره (ص ۱۴۹)، ساعت خجسته (ص ۱۵۰)، زهره، مشتری، قران (ص ۱۵۷)، طالع سعد (ص ۱۷۳)، قران اعظم (ص ۲۳۲)، جوزا و سرطان (ص ۳۰۸)، سعد اکبر (ص ۳۰۹)، زحل و بهرام (ص ۳۲۱).
دانش طب: نیش و نشتر (ص ۱۳)، زخم، طبع (ص ۲۱)، بیمار و ناتوان (ص ۶۹)، صحت و بیماری (ص ۷۳)، شفا، تعویذ (ص ۷۴)، بیمار، مرض جسم، صحت (ص ۸۰)، مزاج معتدل (ص ۸۹)، طشت و خون و فصاد (ص ۸۲)، نیشتر (ص ۹۸).

موسیقی: بربط‌نواز (ص ۵۰)، مطربان و آواز (ص ۵۴)، نای و کوس (ص ۵۷)، نواختن، دف و چنگ (ص ۱۴۵)، طرب (ص ۳۳۷)، نغمه (ص ۳۴۶).

بازی و سرگرمی: گوی و چوگان (صص ۱۰، ۴۲، ۲۱۲)، لعب، ششدره و مهره (ص ۲۰۸)، بوالعجب (ص ۲۰۶).
تهنیت: از درونمایه‌های ادبیات فارسی، بویژه آثار منظوم، تهنیت و شادباش گفتن به مناسبت‌های مختلف مانند پیروزی در جنگها، اعیاد مذهبی و جشنهای ملی است. سید حسن غزنوی اشعار مسرت‌بخشی در ذکر پیروزیها، اعیاد و حتی صحت از بیماریها سروده است. ابیات زیر بترتیب در تهنیت به مناسبت پیروزی بهرامشاه، بهبودی خسروشاه، و تحویل سال نو سروده شده است:

سزد گر جبرئیل آید بر این پیروزه‌گون منبر	کند آفاق را خطبه به نام شاه دینپور
خداوند جهان بهرامشاه آن شه کزین فتحش	دل خورشید شد روشن تن افلاک شد سرور (ص ۸۱)
ای بخت بده مژده که برخاست به یک بار	از گوهر شمشیر خداوندی زنگار (ص ۷۲)
آرام دل و روشنی چشم شهنشاه	خسرو شه فرخنده که باداش فلک بار
از رنج برون آمد المنهٔ لله	چونانکه در از آب و زر از کان و گل از خار
اندرین عید مبارک‌پی فرخنده‌اثر	بار داده است سلیمان نبی باز مگر (ص ۹۳)

شکوائیه: شکوه و شکایت از زمانه، ضعف و پیری، آزار و اذیت، قدرشناسی، حسادت و بدخواهی ... از مواردی است که سبب شده شاعر لب به گلایه بگشاید. وی در بیتوجهی ممدوح چنین میسراید:

این بنده‌ای که هست به مدح تو مفتخر	وین چاکری که هست به مهر تو شادمان
عمریست تا ز مدحت تو هست برکنار	قرنی است تا ز خدمت تو هست بر کران
نی کس بگویدش که کجا رفت این غریب	نی کس بگویدش که کجا شد خود این جوان (ص ۱۴۰)

مرثیه: در قصاید سید حسن غزنوی با پنج مرثیه مواجه میشویم که در رثای بزرگان سروده شده است. بعنوان مثال:

ای بینظیر ساعد بوبکر پره‌نر	الحق درودخوان تو شاه جهان شده
... دردا که شد پدر ز وفات پسر یتیم	احسنت اینت حاصل عمر زیان شده (ص ۱۷۷)
و در سوگ شرف‌الملک میگوید:	
والله که ماتم شرف‌الملک بوعلی	از ماتم حسین علی هست یادگار (ص ۷۴)

بازتاب مسائل اجتماعی: شاعران و نویسندگان بعنوان جزئی از جامعه، اوضاع زمانه را در آثار خویش منعکس میکنند. زرین کوب معتقد است: «شک نیست که محیط ادبی از تأثیر اجتماعی بر کنار نتواند بود و افکار، عقاید و ذوقها و اندیشه‌ها تابع احوال اجتماعی میباشد» (۱۳۷۸، ص ۴۱). حسن غزنوی نیز مانند دیگر شاعران همعصر خویش، اوضاع زمان و محیط اجتماعی خود را منعکس نموده است و از درد زمانه (ص ۱۱)، بی‌ارزش بودن هنر (ص ۱۴۸)، از بین رفتن مردی و مردانگی (ص ۱۹۲)، بی‌اعتنایی ممدوحان (ص ۱۸) و... سخن گفته است.

کار ایام چو ایام گره بر گره است	عهد افلاک چو افلاک شکن در شکن است
هر کجا اسبی با بار خری درمانده است	هر کجا شیری از زخم سگی ممتحن است (ص ۲۶)

اشارات تاریخی: سید حسن غزنوی ضمن بیان مسائل اجتماعی، به وقایع تاریخی نیز اشاراتی داشته است که موارد ذیل مهمترین این مسائل است: پیروزی بهرامشاه بر محمد باهلمیم در سال ۵۱۲ق، پیروزی وی بر سیف‌الدین سوری در سال ۵۴۵ق، وفات سلطان مسعود سلجوقی در سال ۵۴۷ق، بر تخت نشستن محمودبن محمد سلجوقی در سال ۵۴۷ق، بر تخت نشستن سلیمان‌شاه‌بن محمد سلجوقی در سال ۵۵۵ق.

نتیجه‌گیری

نتیجه بررسی سبک دیوان حسن غزنوی بیانگر این است که شاعر در سطوح سه‌گانه زبانی، ادبی و فکری بسیار موفق عمل نموده است.

بیش از نیمی از دیوان سید حسن غزنوی به قصیده اختصاص یافته است؛ بنابراین میتوان وی را شاعری قصیده‌سرا به شمار آورد. زبان شاعر ساده و بدون ابهام و پیچیدگی است و از سلاست و روانی برخوردار است؛ به همین دلیل درک مفاهیم و مضامین دیوان وی سهل و آسان است. شاعر برای غنای اشعار خود به موسیقی بیرونی، کناری و درونی توجه بسیار نموده است. پرکاربردترین بحرها در اشعار حسن غزنوی هزج و مضارع است که بیانگر علاقه وی به اشعار غنایی، شاد و طرب‌انگیز است. شاعر از اوزان نامطبوع دوری جسته است و در اوزان و قوافی و ردیفهای خوش‌آهنگ شعر سروده و در مدایح از مضامین تازه و نادر بهره برده است و همین سبب طراوت و تازگی اشعارش شده است. حسن غزنوی به تکرار قافیه و استفاده فراوان از ردیف تمایل نشان داده است و از انواع ردیفهای فعلی،

اسمی، حرفی و گروهی، بویژه فعلی، بهره برده و موسیقی بیشتری ایجاد نموده است. موسیقی درونی اشعار حسن غزنوی با استفاده فراوان شاعر از انواع تکرار (واج، واژه و گروه واژه) و انواع جناس (تام، مضارع، محرف، مذیل، مزید، لفظ، خط، قلب، اشتقاق، ازدواج و مرکب) ایجاد و غنی شده است، زیرا شاعر از آن دسته شاعران خوش‌ذوقی است که به کارکرد جناس و تکرار و نقش بسزای آنها در موسیقی درونی آگاه بوده است. سید حسن غزنوی مانند اغلب شاعران سبک خراسانی به سادگی و روانی کلام تمایل دارد و این ویژگی در موسیقی کناری شعر او سبب انتخاب قافیه‌های ساده و روان شده است. شاعر آرایه‌های طرد و عکس و تصدیر را فراوان به کار میگیرد و در ساختهای متنوع کلمات را تکرار میکند. در قافیه نیز با کاربرد فراوان ردالفافیه، تجنیس و گاهاً قافیۀ متضاد اشعار زیبایی میسراید.

در بخش سبک‌شناسی واژه‌ها میتوان به تسلط و تبحر شاعر در علوم مختلف پی برد. اشعار او پر است از کلمات عربی و کهن فارسی و با وجود ارتباط با دربار غزنوی و سلجوقی و رواج لهجه و اصطلاحات ترکی در دوره شاعر، تعداد کلمات ترکی در اشعار وی بسیار اندک است. نوآوری شاعر در این بخش قابل توجه است؛ چه در تنوع ساخت کلمات، چه در خلق کلمات جدید و بویژه پدید آوردن ترکیبات جدید وصفی و اضافی.

در بخش سبک‌شناسی جملات، مهمترین مؤلفه‌های نحوی به کاررفته در دیوان شاعر عبارتند از: کاربرد مختلف را (فک اضافه، در معنی به، در معنی برای، به معنی در)، کاربرد اندر، کاربرد ضمیر در نقش مضاف‌الیه و مفعول، کاربرد دو ضمیر در کنار هم، کاربرد کمینه و کهنه بعنوان صفت عالی، کاربرد افعال کهن، کاربرد «م» نفی و «ب» بر سر فعل، استفاده از همی، «ی» آخر فعل و کاربرد همزمان این دو، کاربرد اندی و اندیک (اندی+که) و در نهایت فاصله بین اجزای فعل که این موارد نشاندهندۀ تمایل شاعر به استفاده از سبک خراسانی است.

در سطح ادبی، هرچند در دیوان انواع آرایه‌های ادبی یافت میشود، باید به مهارت شاعر در تشبیه اشاره کرد: تشبیهات اضافی کوتاه و مفصل که در اغلب ابیات وی وجود دارد. آرایه‌های ادبی نیز پیچیده و دیرفهم نیستند. کاربرد آرایه‌های بیانی ارتباط معنایی و موسیقایی کلمات و جملات را افزایش داده و سبب غنای اشعار وی شده است. در سطح فکری نیز گرایش به عشق، وصف طبیعت، مدح، حمد خداوند و ستایش اولیای دین، اندرز، تفاخر، عرفان، بهره‌گیری از معلومات علمی، تهنیت، شکوائیه، مرثیه و حتی بازتاب مسائل اجتماعی و اشارات تاریخی از نکات مورد توجه سید حسن غزنوی بوده است.

مشارکت نویسندگان

آقای دکتر پیمان معمارزاده طراح اصلی این مطالعه بوده‌اند. سرکار خانم صدیقه دانشور بعنوان پژوهشگر این مقاله در گردآوری داده‌ها و تنظیم متن نهایی نقش داشته‌اند. در نهایت تحلیل محتوای مقاله حاصل تلاش و مشارکت هر دو پژوهشگر بوده‌است.

تشکر و قدردانی

نویسندگان بر خود لازم میدانند مراتب تشکر خود را از مسئولان آموزشی و پژوهشی گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه پیام نور تهران که نویسندگان را در انجام و ارتقاء کیفی این پژوهش یاری دادند، اعلام نمایند.

تعارض منافع

نویسندگان این مقاله گواهی مینمایند که این اثر در هیچ نشریه داخلی و خارجی به چاپ نرسیده و حاصل فعالیت‌های پژوهشی تمامی نویسندگان است، و ایشان نسبت به انتشار آن آگاهی و رضایت دارند. این تحقیق طبق کلیه قوانین و مقررات اخلاقی اجرا شده و هیچ تخلف و تقلبی صورت نگرفته است. مسئولیت گزارش تعارض احتمالی منافع و حامیان مالی پژوهش به عهده نویسنده مسئول است، و ایشان مسئولیت کلیه موارد ذکر شده را بر عهده می‌گیرند.

REFERENCES

- Beyhaqi, A. (1938). Taharikh-e- Beyhaq. Correction and annotations by Ahmad Bahmanyar. second edition. Tehran: Foroughi. p. 232.
- Dehkhoda, A. (1956). Dictionary of Dehkhoda. Under the supervision of Dr. Moeen. Tehran: Siroos.
- Farshidvard, Kh. (2003). Today's detailed order. First Edition. Tehran: Sokhan. P.517.
- Ghaznavi, H. (1983). Sayyid Hasan Ghaznavi's Diwan Poems. second edition. Tehran: Asatir.
- Gholamrezaei, M. (2011). Poetry stylistics from Rudaki to Shamlou. Tehran: Jami. pp.98-99.
- Hamidi, M. (1992). Heaven of speech second edition. Tehran: Gutenberg. p.12.
- Hasani, H. (2004). Arabic prosody and rhyme. Compiled and translated. Tehran: Scientific and Cultural. p.20.
- Hedayat, R. (1937). Riyz al-Arifin. second edition. Tehran: Mahdieh Library. P.313.
- Homaei, J. (1975). Rhetoric techniques and literary industries. Tehran: Sepahian University of the Revolution of Iran. P.72.
- Kashefi Sabzevari, K. (1990). Innovations in poetry industry. Tehran: Markaz, pp.129-130.
- Mahjoub, M. (1966). Khorasani style in Persian poetry. Tehran: Ferdous. p.197.
- Modarresi, H. (2005). A practical dictionary of weights of Persian poetry. First Edition. Tehran: Samt. P.323
- Moein, M. (1985). Persian culture. Tehran: AmirKabir. P.461.
- Mohseni, A. (2003). Lines and music of the poem. Mashhad: Ferdowsi University of Mashhad. P.12.
- Praise, J. (1988). Puns in the field of Persian literature. Tehran: Institute of Cultural Studies and Research. p. 2.
- Radfar, A. (1989). Rhetoric and literary culture. Tehran: Ettela'at. p.392.
- Razi, Sh. (1994). Al-mo'ajm. By the efforts of Cyrus Shamisa. Tehran: Ferdous. p.47.
- Ripka, J. (2003). History of Iranian literature. Translated by Abolghasem Siri. Tehran: Sokhan. p. 311.

- Sadeghian, M. (1992). Style of speech in meanings and expression. First Edition. Tehran: Islamic Azad University. p.145&146.
- Safa, Z. (1993). History of literature in Iran. The second volume. Tehran: Ferdowsi. P.196.
- Shafi'i Kadekani, M. (2010). Poetry music. Third edition. Tehran: Naqsh Jahan. p.9.
- Shamisa, C. (1994). Generalities of stylistics. second edition. Tehran: Ferdous. p.273.
- Shamisa, C. (2000). Expression and meanings, fifth edition. Tehran: Ferdowsi. p. 46&50.
- Shamisa, C. (2011). A fresh look at the novel. First Edition. Tehran: Mitra. p. 42
- Vahidian Kamiyar, T. (1995). The weight and rhyme of Persian poetry. Tehran: University Center. pp.92-93.
- Zarinkoub, A. (1999). literary criticism Sixth edition. Tehran: Amir Kabir. p.41.
- Zarinkoub, A. (2006). From Iran's literary past. Tehran: Sokhan. p.302.

فهرست منابع فارسی

- بیهقی، ابوالحسن. (۱۳۱۷). تاریخ بیهق. تصحیح و تعلیقات احمد بهمنیار. ویرایش دوم. تهران: فروغی، ص ۲۳۲.
- تجلیل، جلیل. (۱۳۶۷). جناس در پهنه ادب فارسی. تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ص ۲.
- حسینی، حمید. (۱۳۸۳). عروض و قافیه عربی. تهران: علمی و فرهنگی، ص ۲۰.
- حمیدی، مهدی. (۱۳۷۱). بهشت سخن. ویرایش دوم. تهران: گوتنبرگ، ص ۱۲.
- دهخدا، علی‌اکبر. (۱۳۳۵). لغتنامه دهخدا. زیر نظر محمد معین. تهران: سیروس.
- رادفر، ابوالقاسم. (۱۳۶۸). فرهنگ بلاغی و ادبی. تهران: اطلاعات، ص ۳۹۲.
- رازی، شمس‌الدین محمدین قیس. (۱۳۷۳). المعجم فی معاییر اشعار العجم. به کوشش سیروس شمیسا. تهران: فردوس، ص ۴۷.
- ریپکا، یان. (۱۳۸۲). تاریخ ادبیات ایران. ترجمه ابوالقاسم سری. تهران: سخن، ص ۳۱۱.
- زرین کوب، عبدالحسین. (۱۳۸۵). از گذشته ادبی ایران. تهران: سخن، ص ۳۰۲.
- زرین کوب، عبدالحسین. (۱۳۷۸). نقد ادبی. ویرایش ششم. تهران: امیرکبیر، ص ۴۱.
- شفیعی کدکنی، محمدرضا. (۱۳۸۹). موسیقی شعر. ویرایش سوم. تهران: نقش جهان، ص ۹.
- شمیسا، سیروس. (۱۳۹۰). نگاهی تازه به بدیع. تهران: میترا، ص ۴۲.
- شمیسا، سیروس. (۱۳۷۳). کلیات سبک‌شناسی. ویرایش دوم. تهران: فردوس، ص ۲۷۳.
- شمیسا، سیروس. (۱۳۷۹). بیان و معانی، ویرایش پنجم. تهران: فردوسی، صص ۴۶ و ۵۰.
- صادقیان، محمدعلی. (۱۳۷۱). طراز سخن در معانی و بیان. تهران: دانشگاه آزاد اسلامی، صص ۱۴۵ و ۱۴۶.
- صفا، ذبیح‌الله. (۱۳۷۲). تاریخ ادبیات در ایران. جلد دوم. تهران: فردوسی، ص ۱۹۶.
- غزنوی، سید حسن. (۱۳۶۲). دیوان اشعار. ویرایش دوم. تهران: اساطیر، صص ۶-۳۸۷.
- غلامرضایی، محمد. (۱۳۹۱). سبک‌شناسی شعر از رودکی تا شاملو. تهران: جامی، صص ۹۸-۹۹.
- فرشیدورد، خسرو. (۱۳۸۲). دستور مفصل امروز. تهران: سخن، ص ۵۱۷.

- کاشفی سبزواری، کمال‌الدین. (۱۳۶۹). بدایع‌الافکار فی صنایع‌الاشعار. تهران: نشر مرکز، صص ۱۲۹-۱۳۰.
- محجوب، محمدجعفر. (۱۳۴۵). سبک خراسانی در شعر فارسی. تهران: فردوس، ص ۱۹۷.
- محسنی، احمد. (۱۳۸۲). ردیف و موسیقی شعر. مشهد: دانشگاه فردوسی مشهد، ص ۱۲.
- مدرسی، حسین. (۱۳۸۴). فرهنگ کاربردی اوزان شعر فارسی. تهران: سمت، ص ۳۲۳.
- معین، محمد. (۱۳۶۴). فرهنگ فارسی. تهران: امیرکبیر، ص ۴۶۱.
- وحیدیان کامیار، تقی. (۱۳۷۴). وزن و قافیۀ شعر فارسی. تهران: مرکز دانشگاهی، صص ۹۲-۹۳.
- هدایت، رضاقلی خان. (۱۳۱۶). ریاض‌العارفین. ویرایش دوم. تهران: کتابخانه مهدیه، ص ۳۱۳.
- همایی، جلال‌الدین. (۱۳۵۴). فنون بلاغت و صناعات ادبی. تهران: دانشگاه سپاهیان انقلاب ایران، ص ۷۲.

معرفی نویسندگان

پیمان معمارزاده: عضو هیئت علمی گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.

(نویسنده مسئول: Email: p.memarzadeh@pnu.ac.ir)

صدیقه دانشور: دانشجوی دکتری گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.

(Email: s.daneshvar345@gmail.com)

COPYRIGHTS

©2021 The author(s). This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY 4.0), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, as long as the original authors and source are cited.

Introducing the authors

Peyman Memarzadeh: Faculty member of the Department of Persian Language and Literature, Payam Noor University, Tehran, Iran.

(Email: p.memarzadeh@pnu.ac.ir : Responsible author)

Sedigheh Daneshvar: Ph.D. student of Persian Language and Literature Department, Payam Noor University, Tehran, Iran.

(Email: s.daneshvar345@gmail.com)